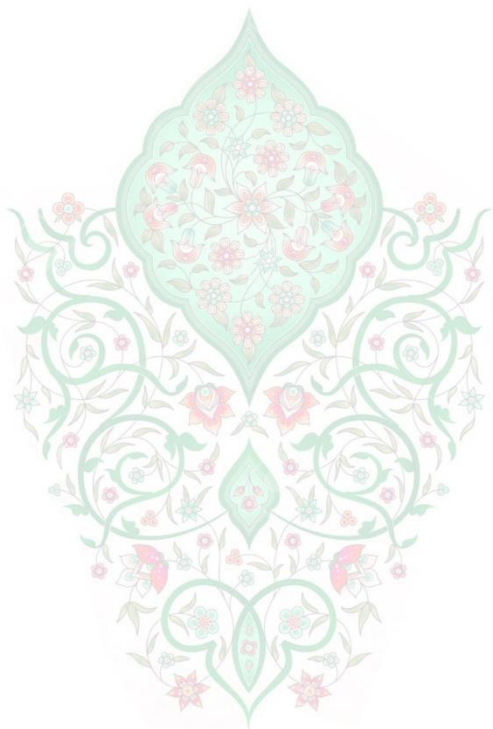


گزیده ای از مباحث آداب انس با قرآن
استاد محمدرضا عابدینی

هسته منظومه فکری علامه طباطبایی رضی الله عنه
مرکز رشد دانشگاه امام صادق علیه السلام





تقدیم به:

روح ملکوتی مفسر بزرگ قرآن کریم؛

علامہ سید محمد حسین طباطبائی رضوان اللہ تعالیٰ علیہ

شناسنامه

عنوان:

رفیق روزهای بندگی؛

گزیده ای از مباحث آداب انس با قرآن

صاحب اثر: استاد محمدرضا عابدینی

تدوین و نگارش: سید محمدرضا فقیه ایمانی

همکاران: علی جعفری هرستانی، حسین قاسمی، محمد رحیمی

تهیه کننده: هسته منظومه فکری علامه طباطبایی رحمته الله علیه

مرکز رشد دانشگاه امام صادق علیه السلام

طراح جلد: محمدمهدی پوروهاب

نشر مجازی: اردیبهشت ۱۳۹۹

ناشر: مرکز رشد دانشگاه امام صادق علیه السلام

نشانی:

تهران، بزرگراه شهید چمران، پل مدیریت، نبش کوچه شهید کاتبی،

مرکز رشد دانشگاه امام صادق علیه السلام، پلاک ۱۰

کدپستی: ۱۴۶۵۹۴۳۶۸۱

تلفن: ۸۸۵۶۱۵۸۷



لینک سایت مرکز رشد:

<https://rushd.ir>

❖ مقدمه استاد:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَالصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ

زمان ها در مسیر حرکت و رشد انسان، منزلگاه های ویژه و تکرار نشدنی به حساب می آیند که وجود او را می سازند و ماه مبارک رمضان، ماه وزیدن نفحات الهی و جذبات ربّانی است که: «إِنَّ لِرَبِّكُمْ فِي أَيَّامِ ذَهْرِكُمْ تَفَحَاتٍ أَلَا فَتَعَرَّضُوا لَهَا». ماه مبارک رمضان، فرصت ویژه ای در مسیر سلوک و رشد انسانی است که از آن به «شهرُ الله» تعبیر فرموده اند. در این ماه مبارک، مؤمنین به ضیافت الهی و سفره گسترده رحمت او فراخوانده شده اند تا به حسب قابلیت و ظرفیت خود، از کرامات و عنایات ویژه الهی متنعم شده و توشه بگیرند. خدای متعال در ماه مبارک رمضان که ما را مفتخر به مهمانی ویژه خود فرموده و سفره کرامت خود را به اندازه وسعت بی کران خویش پهن فرموده، عظیم ترین حقایق و تحفه های خود را برای ما مهیا نموده است. خصوصیت کریم و رفتار کریمانه این است که برای پذیرایی مهمان خود، هر آنچه نزد خود دارد و مناسب مهمان است، برای او آماده کرده و از نعمت و کرامتی برای مهمان مضایقه نمی کند.

شاید عظیم ترین نعمت و کرامتی که خدای متعال در این ماه مبارک برای مهمانان خود مهیا فرموده، نزول کتاب الهی یعنی قرآن کریم است که آن را کلام بی واسطه خود برای مخلوقات دانسته و نزول قرآن را به عنوان وصف این ماه مبارک اختیار فرموده است. چرا که می فرماید: «شَهْرُ رَمَضَانَ الَّذِي أُنزِلَ فِيهِ الْقُرْآنُ» و علاوه بر این که این ماه را به



نزول قرآن شرافت بخشیده، مؤمنین را به انس و تلاوت آن در این ماه امر فرموده تا انسان به واسطه توجه و مؤانست با این کتاب شریف، با آن انس و رفاقت یافته و این کتاب شریف، «رفیق روزهای بندگی» او باشد.

بنابر این، ماه رمضان «شَهْرُ اللَّهِ» و «ضیافَةُ اللَّهِ» است و در این ماه، خداوند از انسان پذیرایی می کند. سفره این پذیرایی و ضیافت الهی قرآن است که «مَأْدُبَةُ اللَّهِ» است. خداوند در این «شَهْرُ اللَّهِ» با گرسنگی و تشنگی و با طهارتی که از آموزش گناهان نصیب انسان می شود، قلب انسان را آماده پذیرایی در ضیافت خود می کند و این پذیرایی با قرآن است.

کتابچه «رفیق روزهای بندگی»، گزیده ای از کتاب آداب انس با قرآن کریم است که در آستانه تدوین و انتشار قرار دارد و به زودی توسط مرکز رشد دانشگاه امام صادق (علیه السلام) و نشر معارف منتشر خواهد شد اما با توجه به اینکه نشر این کتاب به خاطر شرایط خاص فعلی به تأخیر افتاد، مختصری از آن در قالب سی نکته کوتاه متناسب با سی روز ماه مبارک رمضان برای بهره بیشتر از این سفره ضیافت الهی و با توجه به شرایط خاص ابتلای اجتماعی به ویروس منحوس کرونا و محدودیت دسترسی به جلسات عمومی انس با قرآن و برای استفاده در فضای مجازی تنظیم گردید.

در پایان لازم است از زحمات حجت الاسلام و المسلمین سیدمحمدرضا فقیه ایمانی و سایر دوستان هسته منظومه فکری علامه طباطبایی (رضوان الله تعالی علیه) مرکز رشد دانشگاه امام صادق (علیه السلام) و همه کسانی که در ترویج فرهنگ قرآنی تلاش می کنند قدر دانی نمایم.

والحمد لله رب العالمین

محمدرضا عابدینی

اول رمضان المبارک ۱۴۴۱ ه.ق



- اول: قرآن؛ رفیق حیّ | ۱
دوم: قرآن؛ سفره ضیافت الهی | ۵
سوم: قرآن؛ نامه محبوب | ۹
چهارم: قرآن؛ عهد الهی | ۱۳
پنجم: زمان ها ظرف ارتباط با قرآن | ۱۷
ششم: قرائت قرآن و صعود انسان | ۲۱
هفتم: قرائت قرآن به قدر میسور | ۲۵
هشتم: قرآن و ماه مبارک رمضان | ۲۹
نهم: طهارت در محضر قرآن | ۳۳
دهم: استقبال و طمأنینه | ۳۷
یازدهم: منازل استعاذه و تسمیه | ۴۱
دوازدهم: نظر به مصحف شریف | ۴۵
سیزدهم: شنیدن قرآن | ۴۹
چهاردهم: ترتیل قرآن و صوت حزین | ۵۳
پانزدهم: مراتب توجه و تدبّر در قرآن | ۵۷

- شانزدهم: پیام قرآن و مقام مخاطب | ۶۱
- هفدهم: حق تلاوت آیات قرآن | ۶۵
- هجدهم: نزول قرآن در شب قدر | ۶۹
- نوزدهم: همراهی قرآن و اهل بیت (علیهم السلام) | ۷۳
- بیستم: قرآن، تنزل مقدرات و عرضه اعمال | ۷۷
- بیست و یکم: عمل صالح در نسبت با قرآن و امام | ۸۱
- بیست و دوم: رجوع به قرآن در غیبت
امام زمان (عجل الله تعالی فرجه) | ۸۵
- بیست و سوم: عروج با قرآن در معراج نماز | ۸۹
- بیست و چهارم: دعا؛ قرآن صاعد | ۹۳
- بیست و پنجم: خانه های نورانی با قرآن | ۹۷
- بیست و ششم: قرآن و دعوت فطری بشریت | ۱۰۱
- بیست و هفتم: قرآن در عصر ظهور | ۱۰۵
- بیست و هشتم: ظهور و تأویل قرآن | ۱۰۹
- بیست و نهم: تجلی قرآن در قیامت | ۱۱۳
- سی ام: شفاعت قرآن | ۱۱۷



اَوَّل:

قرآن؛ رفیقِ حے

❖ قرآن؛ رفیق زنده و باشعور

قرآن کریم حقیقتی زنده و باشعور است که با مخاطب خویش ارتباط برقرار می‌کند و با انسانی که همدم او است و با او حشر و نشر دارد، رفیق می‌شود. انس با قرآن در صورتی معنای حقیقی خود را پیدا می‌کند که انسان، قرآن را زنده و باشعور بداند و بیابد. شاید باور این مسأله برای ما کمی سخت باشد که همین قرآنی که در محضر او قرار داریم و آن را به دست می‌گیریم و تلاوت می‌کنیم، موجودی حیّ و زنده است که با مخاطب خویش ارتباط برقرار می‌کند. اما حقیقت این است که قرآن حیات دارد و این مرتبه ظاهری کلمات و الفاظ قرآن نسبت به حقیقت قرآن همچون نسبت بدن است برای روح.

خدای متعال می‌فرماید: «اللّٰهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ. نَزَّلَ عَلَيْكَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ»^۱ این کتاب از طرف خداوند «حیّ قیوم» به سوی شما آمده است و وقتی اسم «حیّ قیوم» خداوند تجلی می‌کند، قرآن کریم مظهر آن اسم خواهد بود. پس این کتاب، حیّ است. اگر نگاه به قرآن به عنوان یک حقیقت زنده باشد،

اوضاع و احوال ما با این نگاهی که امروز نسبت به این کتاب الهی داریم، خیلی متفاوت خواهد شد.

❖ ادب حضور در محضر کتاب حی

تصور کنیم قرار است در محضر یکی از اولیاء الهی قرار بگیریم. قبل از رسیدن به محضر او، چقدر خودمان را برای این حضور آماده می‌کنیم و در لحظات حضور چقدر مراقبت می‌کنیم و توجه داریم که رفتار نامناسبی از ما سر نزنند. حال در نظر بگیریم که هم اکنون در محضر نورانی نبی مکرم اسلام (صلی الله علیه و آله) و یا یکی دیگر از حضرات معصومین (علیهم السلام) حاضر هستیم. قطعاً نوع رعایت ادب و ارتباط ما به گونه‌ای دیگر خواهد بود. همین آمادگی و مراقبت، باید در مورد قرآن کریم که مظهر حیات مطلق خدای متعال است و بدون واسطه برای ما تجلی کرده نیز رعایت شود. بهرآستی مگر می‌شود انسان در برابر یکی از اولیاء الهی قرار بگیرد، اما ادب حضور در محضرش را رعایت نکند؟! حال اگر قرآن را چنین دیدیم، نحوه قرار گرفتن در برابرش به همین نسبت تغییر خواهد کرد.

اگر این باور در ما تقویت شود که قرآن حقیقتی زنده و با شعور است، با قرآن رابطه دو طرفه برقرار می‌کنیم، با قرآن رفیق می‌شویم و قرآن بهترین رفیق شفیق ما در پستی و بلندی‌های زندگی و در تنهایی‌ها و سختی‌های زندگی ما خواهد بود. در این صورت رابطه ما و هر یک از آیات قرآن، بر اساس پاسخ‌گویی یک موجود زنده به خواسته و نیاز ما خواهد شد. اساساً امکان ندارد که موجودی، زنده و حکیم باشد؛ اما در ارتباط با یک موجود زنده‌ی دیگر مطالبی بگوید که با نیازها و خواسته‌ها و گفته‌های فرد مقابل، بی‌ارتباط است. اگر این مطلب را پذیرفتیم، آنگاه گفتگو و مخاطبه با قرآن معنا پیدا خواهد کرد و خواهیم دید که قرآن مطابق نیازهای ما با ما به گفتگو می‌نشیند و به ما پاسخ می‌گوید. در روایت زیبایی از وجود مبارک امام صادق (علیه‌السلام) نقل شده که فرمودند: «إِنَّ الْقُرْآنَ حَيٌّ لَا يَمُوتُ»^۱ قرآن حقیقت زنده‌ای است که نمی‌میرد و آیات قرآن نیز زنده هستند و نخواهند مُرد.

۱. تفسیر عیاشی، ج ۲، ص ۲۰۳



دوم:

قرآن؛ سفره ضیافت الہی

❖ قرآن؛ مآدبه الهی

خداوند متعال این عالم را برای پذیرایی از مخلوقات خویش پدید آورده است و انسان به عنوان گرمی‌ترین مخلوقات حضرت حق در این عالم، در همه حال مهمان اوست و در ضیافت پر محبت او حضور دارد. اگر ماه مبارک رمضان نیز به طور ویژه به عنوان ماه ضیافت الهی معرفی شده، به برکت نزول قرآن در این ماه شریف است. رسول مکرم اسلام (صلی الله علیه و آله) قرآن کریم را «مَأْدَبَةُ اللَّهِ» خوانده است؛ یعنی سفره الهی؛ که به فراخور هر یک از مهمانانی که بر سر سفره حاضر می‌شوند، برای آن‌ها غذایی دارد و آن‌ها را بهره‌مند می‌سازد. آن حضرت فرمودند: «الْقُرْآنُ مَأْدَبَةُ اللَّهِ فَتَعَلَّمُوا مَأْدَبَتَهُ مَا اسْتَطَعْتُمْ»^۱ در این ضیافت بزرگ الهی، ما بر سر سفره گسترده قرآن کریم نشسته‌ایم.

وقتی بر سر سفره قرآن می‌نشینیم، باید این احساس را داشته باشیم که در ضیافتی حضور داریم که صاحب آن، کریم‌ترین، غنی‌ترین، قدرتمندترین و سخاوتمندترین افراد است. از این‌رو، در این ضیافت کریمانه، قناعت کردن صحیح نیست و انسان

هرچه بتواند از این سفره بهره بیشتری ببرد، مطلوب خواهد بود. حضرت آیت الله بهجت (رضوان الله تعالی علیه) می فرمودند: همه چیز در قرآن هست و اشاره می فرمودند که «خُذْ مَا شِئْتَ مِنَ الْقُرْآنِ لِمَا شِئْتَ» یعنی از قرآن هرچه می خواهید برای هر نیاز حقیقی که دارید بهره برداری کنید.

اگر باور کردیم که این کتاب از سوی «حَیِّ قَیُّوْم» آمده و او در کمال محبت این سفره را برای ما گسترده است، آنگاه ممکن نیست که انسان بر سر چنین سفره‌ای بنشیند و با چنین موجودی هم صحبت شود؛ اما بهره ای متناسب با نیاز خود نبرد.

❖ سفره الهی، شفا بخش و روح افزا

همان گونه که عبارت «فَتَعَلَّمُوا مَادَبَّتَهُ مَا اسْتَطَعْتُمْ»^۱ نشان می دهد، قرآن، سفره معنوی و معرفتی است که غذای اصلی روح انسانی است. قرآن کریم «تَبَيَّنَا لِكُلِّ شَيْءٍ وَهُدًى وَرَحْمَةً وَبُشْرَى لِّلْمُسْلِمِينَ»^۲ یعنی مبین و روشنگر همه چیز است و

۱. امالی سید مرتضی، ج ۲، ص ۲۷

۲ - نحل (۱۶): ۸۹.

هدایت و رحمت و بشارت برای مسلمین است. آنچه در سفره قرآن برای ما قرار داده شده همه شفا بخش و روح افزا است، به فرموده خداوند متعال: «وَنُنَزِّلُ مِنَ الْقُرْآنِ مَا هُوَ شِفَاءٌ وَرَحْمَةٌ لِّلْمُؤْمِنِينَ»^۱. و این ناشی از رحمت و هدایت خاصه رحیمیّه خداوند برای مؤمنین است. چرا که بیان شد، قرآن کریم مظهر اسم حیات خدای سبحان است و این مظهر با اظهارکننده خودش دائماً در ارتباط است؛ نه اینکه یکبار نازل شده باشد و تمام؛ بلکه در تمام ساعات، دقایق و لحظات، در حال تنزّل از سوی حضرت حق است. پس همواره تازه و جدید است و در هیچ زمانی طراوت و تازگی خودش را از دست نمی دهد. با این نگاه، یک آیه از قرآن کریم مانند «بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ» که ما در این ساعت بخوانیم، غیر از خواندن همین آیه در ساعت دیگری است. چون اتصال این کتاب به حقیقت خویش، دائمی است و فیض خدای متعال در هر لحظه، در حال نو شدن است و ما در هر لحظه ای که از طریق قرآن کریم با منبع این فیض متصل شویم، از فیض و برکتی که در آن لحظه نازل می شود، بهره خواهیم برد.



سوّم:

قرآن؛ نامه محبوب

❖ قرآن؛ نامه از جانب محبوب

قرآن کریم، نامه‌ای از جانب محبوب است تا ما را به ضیافت خود دعوت کند. حضرت امام خمینی (قدّس سرّه) می‌فرماید: «با قرآن این بزرگ کتاب معرفت آشنا شو اگرچه با قرائت آن! و راهی از آن به سوی محبوب باز کن و تصور نکن که قرائت بدون معرفت تأثیری ندارد. آخر این کتاب از طرف محبوب است برای تو و برای همه کس و نامه محبوب، محبوب است؛ اگرچه عاشق و محبّ مفاد آن را نداند و با این انگیزه حبّ محبوب که کمال مطلوب است به سراغت آید و شاید دستت گیرد. ما اگر در تمام لحظات عمر به شکرانه این که قرآن کتاب ما است، به سجده رویم از عهده برنیامده‌ایم.»^۱

❖ محبت به قرآن

نیروی «محبت» از قوای ناشناخته و البته خارق‌العاده وجود انسان است. حرکت حبّی، حرکت دل است و حرکت دل، بدون زمان و مکان است. قدرت و سرعت محبت به سمت نامتناهی است و هیچ حدّ و مرزی ندارد. حضرت آیت‌الله بهجت

۱. صحیفه امام خمینی، ج ۱۶، ص ۲۱۱

می فرمود: اعمال شرایط زیادی دارند تا این که بخواهند قبول شوند؛ اما محبت چیزی است که با شرایط بسیار کم و با سرعت بسیار زیاد قبول می شود. همچنین می فرمودند: محبت و خدمت به قرآن موجب ارتباط با قرآن می شود.

برای ایجاد رابطه محبت آمیز با قرآن، معرفت لازم است و تا قدر این کتاب برای ما مجهول باشد، محبت به آن نیز ایجاد نخواهد شد. هر چقدر انس و شوق انسان نسبت به قرآن بیشتر شود، قرآن نیز حقیقت خود را بیشتر به انسان نشان خواهد داد و معرفت انسان نسبت به قرآن بیشتر خواهد شد. پس اگر می بینیم که قرآن حقیقت خود را به ما نشان نمی دهد، باید بدانیم که مشکل از ماست. حضرت آیت الله بهجت (رضوان الله تعالی علیه) می فرمود: نمی دانیم چه کرده ایم که حلوا (قرآن) در ذائقه ما تلخ است؟! علتش این است که ما بیمار هستیم.

❖ خدمت به قرآن

از دیگر راه های ایجاد محبت به قرآن، خدمت کردن به آن است. ارتباط و خدمت به قرآن کریم می تواند محبت قرآن به ما را، که همان جلوه محبت الهی است، به سوی ما جلب کند. اگر چه این

محبت و رحمت قرآن همیشگی است و محدودیتی ندارد، اما اشکال از ما است که ظرف دریافت این محبت نمی شویم. خدمت به قرآن باعث می شود که گره رابطه انسان با قرآن باز شود و هر خدمتی به قرآن رابطه انسان با قرآن را صمیمی تر می کند. هر مرتبه خدمت فردی و جمعی به قرآن موجب ارتباط بیشتر و فهم بیشتر از حیات قرآن می شود و ما محبت را بیشتر دریافت می کنیم و اثر محبت قرآن، فهم بیشتر و هدایت بیشتر از طریق فهم و عمل به قرآنی است که محبوب ما واقع شده است. ممکن است گاهی این خدمت و محبت، در نظام فردی معنا پیدا نکند و فرد در ارتباط شخصی خود با قرآن، انس ویژه‌ای با قرآن پیدا کند. در نظام اجتماعی هم ممکن است کسی خانه خود را محل قرائت قرآن برای هم محلی ها قرار دهد یا تعدادی قرآن بخرد و آن را وقف مسجد یا حسینیه‌ای کند. ممکن است که عده‌ای با هم قرار بگذارند که هر روز به یک نکته‌ی قرآنی عمل کنند. همه این‌ها مصادیق خدمت و محبت به قرآن است.



چهارم:

قرآن؛ عہد الہی

❖ قرآن؛ عهد و میثاق الهی

قرآن «عهد» خداوند سبحان با بندگان خویش است. از جمله وصیای مولی امیرالمؤمنین (علیه السلام) به فرزندشان محمد بن حنفیه، در مورد قرآن کریم و رعایت شأن او این است: بر تو باد قرائت قرآن و عمل به دستوراتش و پایبندی به واجباتش و ملازمت حلال و حرام و امر و نهی اش و بر تو باد که شب خود را با آن زنده بداری و شب و روز خود را به تلاوت آن مشغول باشی «فَإِنَّهُ عَهْدٌ مِنَ اللَّهِ تَبَارَكَ وَتَعَالَى إِلَى خَلْقِهِ فَهُوَ وَاجِبٌ عَلَى كُلِّ مُسْلِمٍ أَنْ يَنْظُرَ كُلَّ يَوْمٍ فِي عَهْدِهِ وَلَوْ خَمْسِينَ آيَةً»^۱ چراکه این کتاب مقدس، عهدی از جانب خدای تبارک و تعالی به سوی بندگان خویش است؛ پس بر هر مسلمان، واجب است که هر روز در این عهدنامه خود نظر اندازد و حداقل، پنجاه آیه از آیات آن را تلاوت کند. این مسأله به عنوان علامات مؤمن نیز ذکر شده است.

این عهد، همان میثاق و عهد الهی در عالم ذر است و قرآن، انسان را با پیمان الهی خویش مرتبط می کند. برای افرادی که با

۱. من لا یحضره الفقیه، ج ۲، ص ۶۲۸

خدای خویش رابطه خاصی دارند، به کار بردن مفهوم «عهد» در مورد قرآن، یک بشارت ویژه و پیام خاص است و حلاوت خاصی را در درون آن‌ها ایجاد می‌کند. اگر خواندن این عهد و تدبیر در آن با این عنایت صورت گیرد که این عهد حضرت محبوب است که بر زبان جاری می‌شود، قطعاً عنایات ویژه‌ای شامل حال انسان می‌گردد. حقیقت این عهد، با درون انسان رابطه برقرار می‌کند؛ به گونه‌ای که انسان متذکر به میثاق خویش می‌شود و احساس می‌کند که این عهد، برای او آشناست.

انسان به حقیقت آنچه در قرآن آمده است، در مرتبه عهد الهی، متعهد شده و اقرار نموده است. و قرائت قرآن یادآوری همان میثاق‌هایی است که خداوند از ما گرفته است. خوب است که ما با قرائت قرآن، با خداوند تجدید عهد کنیم که این قرائت و یادآوری عهد، خود مرتبه‌ای از تحقق عهد الهی و زمینه تحقق و عمل به آن است.

❖ عهد های جمعی قرآنی

عهدهای ایمانی و معنوی مؤمنین، عهدهای فردی با حق تعالی و عهدهای جمعی را شامل می‌شود. یکی از مراقبت‌های سلوکی

مهمّ انسان که بهتر است به صورت یک عهد جمعی رعایت شود، تلاوت قرآن کریم است. البته لازم نیست که این عهد، در یک مکان که همه افراد در آن جمع هستند، واقع شود؛ بلکه همین که در یک زمان واحد صورت گیرد، مرتبه ای از روح جمعی و وحدت مؤمنین و توحید جمعی محقق می‌شود. البته اگر وحدت زمان و مکان با هم رعایت شود، اثر روح جمعی قوی‌تر ظاهر خواهد شد.

چقدر خوب است که در زمان هایی که حتی امکان دور هم بودن و برگزاری محافل انس با قرآن به خاطر شرایط و مشکلات خاصی فراهم نیست، مؤمنینی که قبلاً در ارتباطات حضوری، همدلی و روح جمعی را در محافل انس با قرآن محقق کرده‌اند، با اختصاص زمان مشترک و برنامه جمعی مشترک این عهد های جمعی قرآنی را امتداد دهند. باور کنیم که ارتباط قلوب و اتحاد ارواح، در قید و بند ارتباط ظاهری و بدنی نیست و اگر توجه افرادی که از هم فاصله دارند، به یکدیگر و به عهد جمعی مشترکی که دارند معطوف شود، همان اثر و روح جمعی و ثواب جمعی در این ارتباط نیز می‌تواند محقق گردد.



پنجم:

زمان ها ظرف ارتباط با قرآن

❖ زمان ها و ارتباط با قرآن

زمان ها منازل سلوک الی الله هستند. مرحوم آیت الله میرزا جواد ملکی تبریزی در کتاب شریف «المراقبات»، از زمان ها به عنوان منازل حرکت و سلوک الی الله یاد می کند که انسان یکی پس از دیگری آن ها را پشت سر می گذارد تا به منزل آخر برسد. بنابراین هر زمانی از عمر انسان، یک گام حرکت و یک منزل سلوک است که انسان را به حقیقت خودش نزدیک تر می کند.

نسبت قرآن به عنوان یک حقیقت زنده، با انسان که او نیز یکی موجود زنده است، در ظرف زمان که آن هم ملکوت دارد و حقیقت زنده ای است و مانند قرآن از گواهان و شاهدان قیامت است، بسیار عجیب است و این مطلب را نشان می دهد که تلاقی این سه حقیقت در هر حالی، جلوه ای خاص دارد که در هر لحظه به حسب حال انسان و تجلّی خاص الهی در آن لحظه در قرآن و تجلّی خاص الهی و نَفَحَه خاصّ الهی در ظرف زمان، ارتباط ویژه ای برای انسان ایجاد می کند و تجلّی خاصی است که اختصاصی بوده و تکرار شدنی نیست.

❖ زمان های متعدّد برای تلاوت قرآن

سیره علما این بوده که برای تلاوت قرآن، زمان های متعددی را اختصاص می دادند و کارهای دیگر خود را با خواندن قرآن تنظیم می نمودند. نه این که هر وقت بیکاری برای آن ها حاصل می شد، قرآن بخوانند! به عبارت دیگر، آن ها سعی می کردند که ساعات مختلف شبانه روز خود را با قرآن متبرک سازند. برای نمونه در شرح حال حضرت امام خمینی (رضوان الله تعالی علیه) آمده که در هر شبانه روز، هشت بار تلاوت قرآن می نمودند.

در روایات اهل بیت (علیهم السلام) از ما خواسته شده که بر تلاوت قرآن کریم استمرار داشته باشیم و آن را برنامه اوقات مختلف شبانه روز خود قرار دهیم. امیرالمؤمنین (علیه السلام) در وصیت به فرزند خود محمد بن حنفیه، به او توصیه می کنند که در شب و روز ملازم تلاوت قرآن باشد.^۱ این مطلب نشان می دهد که در شبانه روز حداقل باید دو زمان، یکی در روز و دیگری در شب را به قرآن کریم اختصاص دهیم.

۱. من لایحضره الفقیه، ج ۲، ص ۶۲۸

❖ تلاوت قرآن در بین الطلوعین و شب ها

در طول شبانه روز اوقات و زمانهایی برای تلاوت قرآن و ارتباط خاص با قرآن وارد شده است. از مهمترین این زمان ها نیمه های شب است. خداوند در قرآن خطاب به پیامبر خویش امر می-فرماید: از خواب خود در شب بکاه و نیمی از شب را به ترتیل قرآن پرداز؛ «قُمِ اللَّيْلَ إِلَّا قَلِيلًا. نِصْفَهُ أَوْ انْقُصْ مِنْهُ قَلِيلًا. أَوْ زِدْ عَلَيْهِ وَرَتِّلِ الْقُرْآنَ تَرْتِيلًا»^۱ برای ما به میزانی که قابلیت داریم، تمسک به این سیره نبوی لازم است. همچنین هنگام فجر و بین الطلوعین هم یکی از مهمترین اوقات توصیه شده است. فرزند مرحوم آیت الله انصاری همدانی (رضوان الله تعالی علیه) نقل می کند که ایشان با قرآن بسیار مانوس بود و به آن اهتمام داشت. بین الطلوعین بیدار بود و تلاوت قرآن داشت و بین نماز ظهر و عصر، حدود یک ساعت تا یک ساعت و نیم قرآن می خواند و به عبارتی در قرآن محو می شد.



ششم:

قرائت قرآن و صعود انسان

اهمیت قرائت و تلاوت قرآن

برخی از اعمال هستند که اگر انسان آن‌ها را انجام دهد، موجب ترفیع درجات او می‌گردد؛ اما ترک آن‌ها به اصل انسانیت او لطمه‌ای وارد نمی‌کند. اما برخی اعمال هستند که اگر ترک شوند، چیزی از وجود انسان کم می‌شود که دیگر قابل جبران نیست و او را از مرتبه انسانیت خارج می‌کند. لذا خدای متعال برای این دسته از اعمال، فرصت قضاء کردن قرار داده و زمینه را برای جبران آنچه از دست رفته، آماده ساخته است. از جمله این اعمال نماز شب و تلاوت و انس با قرآن کریم است.

❖ نسبت قرائت قرآن با مقامات انسان

درجات و مقامات انسان، با درجات و مراتب قرآن تناسب و تناظر دارد و کمال انسان به میزانی محقق می‌شود که قرآن را در وجود خویش پیاده کرده باشد. لذا امیرالمؤمنین (علیه السلام) فرمود:

«أَنَّ دَرَجَاتِ الْجَنَّةِ عَلَى عَدَدِ آيَاتِ الْقُرْآنِ فَإِذَا كَانَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ يُقَالُ لِقَارِي الْقُرْآنِ اقْرَأْ وَ ارْقُ»^۱ مراتب و درجات بهشت که همان مراتب کمال حقیقی انسان است، متناظر با آیات قرآن است و

۱ - من لایحضره الفقیه، ج ۲، ص ۶۲۸.

وقتی قیامت برپا می شود، به قاری حقیقی قرآن گفته می شود که بخوان و بالا برو!

امام باقر (علیه السلام) به نقل از رسول خدا (صلی الله علیه وآله) فرمودند: «کسی که در هنگام شب، ده آیه از آیات قرآن را تلاوت کند، جزء غافلان نوشته نخواهد شد. و هرکس پنجاه آیه را بخواند، از ذاکران نوشته خواهد شد. و کسی که صد آیه از این کتاب نورانی را قرائت کند، در زمره فرمان برداران حضرت حق ثبت خواهد شد. و هرکس دویست آیه از آیات قرآن کریم را بخواند، نامش در میان اهل خشوع نوشته خواهد شد. و هرکس سیصد آیه از آیات قرآن را بخواند، از رستگاران نوشته خواهد شد. و هرکس پانصد آیه از آیات قرآن را بخواند، در گروه مجتهدان و جهادگران نوشته خواهد شد.»^۱

این خود یک سیر و سلوک است. این روایت بیانگر این است که مراتب این سلوک تدریجی است و کم کم انسان باید خودش را با قرآن انس دهد. همچنین نشان می دهد که قرائت هر میزان از

۱ - الکافی، ج ۲، ص ۶۱۲.

آیات، اتحاد با آن آیات را برای انسان به ارمغان می‌آورد و این حقیقتی است که در درون انسان پیاده می‌شود.

❖ قرائت ترتیبی و مداوم قرآن

در روایات ما در مورد کسی که قرآن را ختم می‌کند و دوباره به این کار اهتمام می‌ورزد، تعبیر زیبا و لطیف «حال مرتحل» به کار رفته است. در روایتی نورانی، راوی از امام سجاد (علیه‌السلام) سؤال می‌کند که برترین اعمال چیست؟ حضرت در پاسخ می‌فرمایند: «حال مرتحل». یعنی کسی که قرآن را باز کند و خواندنش را آغاز کند و به پایان برساند؛ پس هرگاه به اول قرآن بازمی‌گردد، به آخرش کوچ کند.^۱ بزرگان همواره بر این نکته نیز تأکید کرده‌اند که هرچند خواندن سوره‌هایی همچون یس، واقعه و ... به صورت مداوم، فواید بسیاری دارد؛ اما در کنار آن، قرائت روزانه بهتر است به صورت ترتیبی باشد به گونه‌ای که هرچند وقت یک‌بار، یک ختم قرآن صورت گیرد. زیرا هر آیه‌ای از قرآن کریم، متصل به خزائن است و برای انسان برکات خاصه‌ای دارد که با قرائت آن، از آن برکات خاصه بهره‌مند می‌گردد.



هفتم:

قراءت قرآن به قدر میسور

❖ قرائت به قدر میسور

خدای متعال در سوره مبارکه مزمل رسول گرامی (صلی الله علیه و آله) و مؤمنین را به بیداری شب و خواندن نماز شب و تلاوت قرآن در دل شب شدیداً تأکید می‌فرماید. پس از این امر، جز رسول خدا (صلی الله علیه و آله) و تعداد اندکی از همراهان ایشان به این کار همت نمی‌گمارند؛ اما خدای متعال از بقیه مؤمنین دست‌بردار نیست. چون می‌داند که با انجام ندادن این عمل، چه فیض عظیمی را از دست می‌دهند؛ لذا خداوند خطاب به رسول خویش (صلی الله علیه و آله) می‌فرماید: من می‌دانم که شما در طول شبانه‌روز مشکلات و مشغولیت‌های زیادی دارید، «عَلِمَ أَنْ سَيَكُونُ مِنْكُمْ مَرْضَى»؛ برخی از شما درگیر بیماری هستید، «وَأَخْرُونَ يُضْرَبُونَ فِي الْأَرْضِ يَبْتَغُونَ مِنْ فَضْلِ اللَّهِ»؛ برخی دیگر برای انجام مأموریت و یا کسب روزی در حال سفر هستید، و بالاتر از همه «وَأَخْرُونَ يَقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ»؛ برخی در حال جنگ با دشمنان خدا هستید؛ اما با همه این احوال دو بار در ابتدا

و انتهای آیه شریفه تأکید می کند که هر قدر برایتان مقدور و ممکن است، قرآن بخوانید: «فَأَقْرءُوا مَا تَيَسَّرَ مِنَ الْقُرْآنِ»^۱.

به نظر می رسد، تعبیری که اهل بیت (علیهم السلام) نسبت به قرآن داشته اند و آن را «عهد الله» نامیده اند، نیز برای تأکید بیشتر بر همین مطلب است. عهد را باید هر روز مرور کرد، تا چیزی از قلم نیفتد. اما این «فَأَقْرءُوا مَا تَيَسَّرَ مِنَ الْقُرْآنِ»^۲ حداقلی هم دارد که در ادامه بیان می شود.

❖ قرائت حداقل ۵۰ آیه در شبانه روز

از جمله دستورات سلوکی بزرگان اخلاق، همچون مرحوم آیت الله ملا حسینقلی همدانی، مرحوم آیت الله سید علی آقای قاضی و مرحوم علامه طباطبایی (رضوان الله علیهم اجمعین)، مداومت بر تلاوت حداقل ۵۰ آیه از قرآن کریم در هر شبانه روز است. این دستور برگرفته از روایات اهل بیت عصمت و طهارت (علیهم السلام) است. حداقل ده آیه برای این است که انسان در زمره غافلان

۱ - مزمل (۷۳): ۲۰.

۲ - مزمل (۷۳): ۲۰.

نباشد. اما برای قرار گرفتن در زمره ذاکران (یعنی کسانی که اهل قرآن به عنوان ذکر الهی هستند)، ۵۰ آیه تلاوت در هر شب توصیه شده است. بیان امیر المؤمنین (علیه السلام) نیز به همین مرتبه اشاره دارد که فرمود، حداقل لازم قرائت قرآن بر مؤمن ۵۰ آیه است و مؤمنی که بر این قرائت مستمر مداومت داشته باشد، در مراتب ایمان و مراتب سعادت بالا می رود و در قیامت مشاهده می کند که باطن همین قرائت قرآن، طی کردن مدارج بهشت است که به او می گویند، بخوان و بالا برو؛ «فَهُوَ وَاجِبٌ عَلَيَّ كُلِّ مُسْلِمٍ أَنْ يَنْظُرَ كُلَّ يَوْمٍ فِي عَهْدِهِ وَلَوْ خَمْسِينَ آيَةً وَاعْلَمْ أَنَّ دَرَجَاتِ الْجَنَّةِ عَلَى عَدَدِ آيَاتِ الْقُرْآنِ فَإِذَا كَانَ يَوْمُ الْقِيَامَةِ يُقَالُ لِقَارِئِ الْقُرْآنِ اقْرَأْ وَارْزُقْ»^۱

توصیه بزرگان این بوده است که بر اساس روایت، انسان هر روز صبح در بین الطلوعین حد اقل ۵۰ آیه تلاوت کند و در پنج آیه از آن تدبیر کند و تلاش کند در طول روز به یک آیه عمل کند. اگر برای انسان در وقت صبح مقدور نبود، همین قرائت را در شب و

۱ - من لایحضره الفقیه، ج ۲، ص ۶۲۸.



هشتم:

قرآن و ماه مبارک رمضان

❖ رابطه با قرآن در ماه مبارک رمضان

قرآن حقیقتی است که در ترکیب با حقایق دیگر، عظمت خویش را بیشتر آشکار می کند. یکی از این ترکیب ها که ظرف تجلّی مراتب عظیم تری از قرآن است، ماه مبارک رمضان است.

چنانچه ذکر شد، زمان ها هم حقیقت دارند و ظرف ظهور و دریافت تجلیات الهی هستند. در نظام الهی هر زمانی برای خود یک رابطه ای با قرآن و رابطه ای با انسان ایجاد می کند و هر زمانی، ظرف خاصی برای ارتباط انسان و قرآن است.

ماه رمضان «شهر الله» و «ضیافه الله»ی است که خداوند از انسان پذیرایی می کند و سفره این پذیرایی و ضیافت الهی قرآن است که «مأذبه الله» است. خداوند در این «شهر الله» با گرسنگی و تشنگی و با طهارتی که از آمرزش گناهان نصیب انسان می شود، قلب انسان را آماده پذیرایی در ضیافت خود می کند و این پذیرایی با قرآن است.

این ماه، ماه نزول قرآن است و همانگونه که بهره وجود نبی مکرم اسلام (صلی الله علیه و آله) در این ماه از دریافت وحی الهی متفاوت بود و نزول دفعی و حقیقت جمعی قرآن یکجا در شب قدر بر

قلب ایشان نازل می شد، به همین نسبت، رابطه انسان هایی که در مسیر هدایت الهی و تبعیت از پیامبر (صلی الله علیه و آله) هستند، با قرآن در این ماه متفاوت است.

❖ معجزه نزول قرآن و آثار آن

مرحوم آیت الله بهاء الدینی (رضوان الله تعالی علیه) می فرمودند: خداوند در مواردی تصرف در زمان می کند و زمان، اثر خاصی پیدا می کند. کما اینکه در نماز شب، این اتفاق افتاده است و خداوند به نماز شبی که دقایقی از نیمه شب را به خود اختصاص می دهد، اثر مراقبه ۲۴ ساعته ای قرار داده است که امت های قبل با رهبانیت و عزلت شبانه روزی به دنبال آن بودند. اگر این باور در ما ایجاد شود، اینکه تلاوت هر آیه از قرآن در ماه مبارک رمضان ثواب یک ختم کامل قرآن دارد و همچنین اینکه شب قدر که شب نزول قرآن است، از هزار ماه برتر است؛ «لَيْلَةُ الْقَدْرِ خَيْرٌ مِنْ أَلْفِ شَهْرٍ»^۱ دیگر برای ما استبعاد ندارد و قابل باور می شود. خاصیت این ماه، ترکیبی است که قرآن در نسبت با ماه مبارک

۱ - قدر (۹۷): ۳.

رمضان پیدا می کند و اثر متفاوتی است که این ترکیب در وجود انسان می گذارد.

همه کتب آسمانی در ماه رمضان نازل شده اند و قرآن که جامعترین و کامل ترین کتاب الهی و به منزله حقیقت مطلق همه کتب الهی است، در این ماه و در شب قدر نازل شده است. لذا آنچه در آداب و اعمال در این ماه وارد شده است، به سبب نسبت این ماه با نزول قرآن است و به همین جهت آداب این ماه در نسبت با قرآن کامل می شود. لذا ماه مبارک رمضان برای انس با قرآن ویژگی و ظرفیت خاص دارد و نفعه ای الهی و جذبه ای ربّانی است که با تلاوت و محبت و انس با قرآن، باید خود را در معرض این جذبه ربّانی و این ارتباط نورانی قرار دهیم. «إِنَّ لِرَبِّكُمْ فِي أَيَّامٍ دَهْرِكُمْ نَفَحَاتٍ أَلَا فَتَعَرَّضُوا لَهَا»^۱ به فرموده بزرگان زمان ها و نفعات الهی داخل در زمان ها، خوش نشین هستند و اگر از دست بروند دیگر برگشت پذیر نیستند. باید مراقبت کنیم که حقّ این زمان را در ارتباط با قرآن کریم به درستی استیفا نماییم.

۱ - عوالی اللّٰهالی، ج ۴، ص ۱۱۸.



نهم:

طهارت در محضر قرآن

❖ **طهارت؛ باب ورود به محضر قرآن**

قرآن نامحرمان و ناهالان را به محضر خود نمی‌پذیرد و با آن‌ها سخن نمی‌گوید. پس باید با او مَحْرَم شویم و انس بگیریم تا به حریمش بار یابیم. آغاز گفتگوی قرآن با انسان، از ناحیه فطرت و ادراکات فطری است و نامحرم کسی است که به این ادراکات فطری خود پشت پا زده باشد و حتی در همین حد نیز از هدایت الهی برخوردار نشده باشد. خدای متعال می‌فرماید: «إِنَّ فِي ذَلِكَ لَذِكْرَى لِمَنْ كَانَ لَهُ قَلْبٌ أَوْ أَلْقَى السَّمْعَ وَهُوَ شَهِيدٌ»^۱ نفرمود کسی که صرفاً عقل و تفکر داشته باشد؛ بلکه پای قلب را به میان کشید تا بر ایجاد رابطه احساسی با قرآن کریم دلالت داشته باشد.

برای مَحْرَم شدن، باید وارد وادی طهارت شد. بدون طهارت، قرآن برای انسان قُرُق‌گاه خواهد بود و اصلاً اجازه ورود نخواهد داد. خدا به صراحت اعلام می‌کند که راه یافتن به حریم قرآن با طهارت ممکن است و بدون آن، قرآن از دسترس اغیار و ناپاکان

محفوظ است: «لَا يَمْسُهُ إِلَّا الْمُطَهَّرُونَ»^۱؛ واضح است که اگرچه این آیه شریفه به وجوب تشریحی طهارت و وضو برای لمس کردن قرآن هم دلالت دارد، اما خبر از یک سنت تکوینی هم می‌دهد و مراد از مس قرآن، صرف دست کشیدن به خطوط و لمس کردن آن نیست. چراکه این کار برای افرادی که طهارت ندارند، امکان دارد، اگرچه از همین مرتبه نیز نهی شده‌اند. اما آنچه برای افرادی که اهل طهارت نیستند ممکن نیست، دست‌یابی به گنجینه معارف عظیم این کتاب مقدس است؛ معارفی که به تعبیر قرآن کریم، از لفظِ نوشته شده بر روی کاغذ تا مرتبه «عَلَى حَكِيمٍ»^۲ امتداد یافته است.

قرآن کریم و روایات اهل بیت (علیهم‌السلام)، برای طهارت مراتبی برشمرده‌اند که از مرتبه ظاهر شروع شده و تا مرتبه باطن کشیده می‌شود و در مرتبه باطن نیز بر اساس مراتب باطن، امتداد می‌یابد. چون انسان در این حال، در حال گفتگوی با حق تعالی می‌باشد؛ پس هرچه مراتب طهارت انسان بیشتر شود، بیشتر به

۱. واقعه (۵۶): ۷۷ - ۷۹

۲. اشاره به آیات ابتدایی سوره مبارکه زخرف (۴۳): ۱-۴

بواطن قرآن راه می‌یابد. بنابراین، طهارت مراتبی دارد و حتی غیر مسلمانانی که طهارت اولیه فطری خود را حفظ کرده باشند و با عناد و سرکشی، فطرت خود را خاموش نکرده باشند و بر قلوب خویش قفل انکار نزنده باشند، مخاطب قرآن خواهند بود و به واسطه این طهارت فطری در مضان هدایت قرآن هستند.

همانطور که طهارت باطن، شرط ارتباط باطنی انسان با قرآن است و این طهارت از مرتبه فطری اولیه تا مراتب طهارت ایمانی را شامل می‌شود، ارتباط با ظاهر قرآن نیز مراتب طهارت ظاهری را می‌طلبد. این مسئله تا آنجا اهمیت دارد که در روایات ما حتی بر جزئی‌ترین مراتب طهارت و پاکیزگی، مثل پاکیزگی لباس و حتی دهان در هنگام تلاوت قرآن نیز تأکید شده است. رسول خدا (صلی الله علیه و آله) فرمودند: «طریق قرآن را پاکیزه و طاهر کنید. اصحاب پرسیدند: یا رسول الله! طریق قرآن چیست؟! حضرت فرمودند: دهان‌هایتان! اصحاب پرسیدند: با چه چیز؟ حضرت پاسخ دادند: با مسواک.»^۱



دهم:

استقبال و طمانينه

❖ استقبال (رو به قبله) و طمأنینه

خوب است انسان در حال قرائت و تلاوت قرآن، با ادب و طمأنینه رو به قبله قرار بگیرد، حال چه به صورت نشسته باشد و چه ایستاده؛ اگرچه حالت ایستاده افضل است. به طور کلی، حکمتِ رو به سوی قبله نمودن، روی گرداندن و منصرف شدن از کثرت‌ها و اختلاف‌های دنیایی و توجه نمودن به یک نقطه واحد یعنی حق تعالی می‌باشد.

در روایتی از امام صادق (علیه‌السلام) نقل است که آن حضرت فرمود: «هنگامی که رو به سوی قبله نمودی، از دنیا و آنچه در آن است و از خلائق و بندگان خدا و آنچه به آن‌ها امید می‌رود، ناامید باش و قلب خود را از هر مشغولیتی که تو را از خدایت باز می‌دارد، خالی کن؛ تا آنکه از سِرِّ درونت عظمت پروردگار عالم را مشاهده کنی و وقوف در محضرش را با تمام وجود بیابی.»^۱

۱. مصباح الشریعة، الباب الثالث فی افتتاح الصلوة

❖ قرائت ایستاده و رو به قبله

از جمله سفارشات مؤکد علامه حسن زاده (حفظه الله) این بود که اهتمام داشته باشید حتماً زمانی که قرآن می‌خوانید، رو به قبله و گاهی ایستاده آن را تلاوت کنید و اگر نشسته می‌خوانید، تکیه ندهید و چهارزانو نشیند تا احساس حضور و ادب در محضر قرآن کریم برای شما حاصل شود. البته این در صورتی است که ایستاده خواندن، موجب جلب توجه دیگران نشود. مثلاً جایی که انسان تنهاست یا زیارتگاهی است که مردم ایستاده اند و زیارت می‌خوانند، شما می‌توانید این ادب را رعایت کنید.

بزرگی از اولیای الهی می‌فرمود که واجبات را در میان عموم انجام دهید؛ اما مستحبات را پنهانی به جا آورید. قرائت قرآن در حالت ایستاده، احترام ویژه به قرآن است و به همین نسبت در رشد و تعالی انسان اثرگذار است؛ مثل کسی که در محضر امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) قرار گرفته و ایستاده و با کمال ادب منتظر است تا ایشان اذن نشستن بدهند. اگر ما قرآن را یک حقیقت حیّ و زنده دیدیم، تأثیر آن بسیار متفاوت می‌شود.

نقل شده که آیت الله حاج شیخ محمدتقی آملی از شاگردان عارف بزرگ، سید علی آقا قاضی (رضوان الله تعالی علیهما) روزی در منزل خود، زیر کرسی، قرآن را تلاوت می کرد و چون زیر کرسی بود، احساس کرده بود که دراز بودن پایشان زیر کرسی، بی احترامی به قرآن محسوب نمی شود. بعد از اتمام تلاوت قرآن، به زیارت امیرالمؤمنین (علیه السلام) مشرف شد و آنجا استاد خود مرحوم آیت الله سید علی آقای قاضی (رضوان الله تعالی علیه) را دید. ایشان فرمودند: کسی که قرآن می خواند، باید ادب حضور و ارتباط با قرآن را رعایت کند!





یازدهم:

منزل استعاذه و تسمیه

❖ عبور از منازل «استعاذه» و «تسمیه»

یکی از آداب مهم تلاوت قرآن کریم، شروع تلاوت با استعاذه به حضرت حق و با گفتن «أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ» و تسمیه به «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» است. این کار علاوه بر جنبه ظاهری، که به زبان آوردن این عبارات شریف است، دارای جنبه باطنی و حقیقتی نیز می باشد که ایجاد حقیقت استعاذه و تسمیه در وجود انسان است. حضرت امام خمینی (رضوان الله تعالی علیه) می فرمایند: «بدان که دخول در منزل «تسمیه» برای سالک میسور نیست، مگر بعد از داخل شدن در منزل «استعاذه» و استیفاء حظوظ آن منزل.»^۱

تعبیر «داخل شدن در منزل تسمیه» بسیار زیباست؛ یعنی «بسم الله» منزلی از منازل حرکتی انسان به سوی مقصد است. پس از آنکه سالک از منزل استعاذه و پناه بردن به خدا از شر شیطان عبور کرد، وارد شدن به منزل «بسم الله» برایش امکان پذیر است. در غیر این صورت، او داخل در منزل «بسم الله» نشده و حقیقت «بسم الله» در وجود او استیفا نشده است.

۱. آداب الصلاة، ص ۲۳۴.

❖ استیفاء حق استعاذه و تسمیه

حضرت آیت الله حسن زاده (حفظه الله تعالی) می فرمود: هر حقیقتی در وجود انسان باید حقش استیفا شود و اگر استیفا نشود، با انسان رابطه برقرار نخواهد کرد. اگر انسان «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» بگوید؛ اما از روی لقلقه زبان و با بی توجهی باشد و یا برای جلوه‌گری باشد، هرچقدر هم زیبا و با لحن دلربا بگوید، او مُتَسِم به سِمات (نشانه‌های) شیطنیه است و در حال جنگیدن با «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» است و جنگیدن با این کلام مقدس یعنی جنگ و معارضه با خدا که بدترین جنگ‌هاست و آنجا زمین خوردن قطعی است. لذا اگر می‌خواهیم در منزل «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» تحت تصرف شیطان نباشیم، قبل از آن باید مقام «استعاذه» را داشته باشیم.

توجه داشته باشیم که نشانه شدن برای شیطان، به یک‌باره محقق نمی‌شود؛ بلکه ذره‌ذره، پله‌پله و مرتبه به مرتبه و با یک شیب بسیار ملایم صورت می‌گیرد تا جایی که کسانی که اهل مراقبه نیستند، ممکن است اصلاً متوجه این تغییرات هم نشوند. در این صورت انسان در چنین حالتی حتی اگر «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» هم بگوید، با اراده و قوه و زبان شیطانی می‌گوید.

«استعاذه» و «تسمیه» برای ایجاد طهارت در رابطه با قرآن توصیه شده است؛ چون قرار است علامت الهی بر قاری قرآن بخورد و علامت الهی خوردن یعنی صبغة الله و صبغة الله یعنی طهارت و از آنجا که فرمود: «لَا يَمَسُّهُ إِلَّا الْمُطَهَّرُونَ»^۱ به مقداری که این صبغة الله و طهارت در انسان ایجاد شود، مسّ حقیقت قرآن و رسیدن به مقصد قرآن که همان هدایت الهی است، در وجود او محقق می‌شود.



دوازدهم:

نظر به مصحف شریف

❖ نظر به مصحف شریف در هنگام قرائت

از توصیه‌های اهل بیت (علیهم‌السلام) در هنگام قرائت قرآن، نگاه کردن به مصحف شریف است. این مسأله تا جایی مورد تأکید قرار گرفته که حتی نگاه کردن به مصحف شریف بدون قرائت نیز عبادت شمرده شده است؛^۱ این روایات این احساس را در انسان ایجاد می‌کند که به هر بهانه‌ای می‌خواهند ما را به سوی خیرات و برکات عظیم بکشانند. در روایتی از امام صادق (علیه‌السلام) وارد شده که فرمودند: هرکس با عبور دادن چشمانش از روی حروف مصحف شریف، آن را بدون صوت قرائت کند، خدای متعال به ازای هر حرف، برایش حسنه‌ای منظور می‌کند و سیئه‌ای را از او محو می‌گرداند و یک درجه او را بالا می‌برد.^۲

به‌راستی که ما با عمل نکردن به این دستورات ساده و سهل‌الوصول، چقدر خودمان را از این برکات محروم می‌کنیم. به فرموده حضرت آیت‌الله بهجت (رضوان‌الله‌تعالی‌علیه)، محرومیت‌های ما، چوب عدم باورهای ما بوده و اختیاری است.

۱. من لا یحضره الفقیه، ج ۲، ص ۲۰۵

۲. الکافی، ج ۲، ص ۶۱۲

جالب آنکه از نگاه اهل بیت عصمت و طهارت (علیهم السلام)، حتی برای کسی که حافظ قرآن است، قرائت از روی مصحف توصیه شده است. اسحاق بن عمار می گوید: به امام صادق (علیه السلام) عرض کردم: فدایت شوم! من قرآن را حفظ دارم؛ آن را از حفظ بخوانم بهتر است یا از روی قرآن؟ حضرت در پاسخ فرمودند: «آن را بخوان و نگاه به قرآن کن که اینگونه بهتر است.» سپس فرمودند: «أَمَا عَلِمْتَ أَنَّ النَّظَرَ فِي الْمُسْجَفِ عِبَادَةٌ؟»^۱ آیا ندانسته‌ای که نگاه کردن به قرآن عبادت است؟!

❖ بهره چشم و اعضای ظاهری از قرآن

این کلمات نورانی، ما را به این نکته رهنمون می‌سازد که هر عضوی از بدن باید حظّ و بهره خود را از قرآن ببرد و با آن رابطه برقرار کند. چشم ما رابطه‌اش به این است که ببیند. گوش ما رابطه‌اش به این است که بشنود. رابطه دست با قرآن کریم آن است که مصحف را بگیرد و یا اینکه در هنگام قرائت، انگشتان دست بر کلمات قرآن کریم حرکت داده شود. به همین جهت است که برخی از بزرگان، موقع قرائت قرآن، انگشتان خود را بر

۱. الکافی، ج ۲، ص ۶۱۴

همه آیات عبور می‌دادند و آن را عبادت انگشتان می‌دانستند و بالاخره به همین شکل تمام وجودشان را با قرآن کریم مرتبط می‌کردند.

در روایتی از رسول خدا (صلی الله علیه و آله) وارد شده که فرمودند: «هیچ چیز برای شیطان سخت‌تر از قرائت قرآن از روی مصحف نیست.»^۱ از این روایت شریف، معلوم می‌شود که همین نگاه کردن به قرآن، چقدر از تصرف شیطان بازدارندگی دارد و این امر چقدر برای او سخت و طاقت‌فرساست.



سیزدهم:

شنیدن قرآن

❖ شنیدن آیات قرآن

یکی از مراقبت‌های مهم سلوکی انسان، شنیدن آیات قرآن کریم، فارغ از قرائت کردن و تلاوت نمودن آن است. شنیدن آیات قرآن، تأثیر بسیاری در دریافت جذبه‌های الهی دارد. در روایتی از امام صادق (علیه‌السلام) نقل شده که آن حضرت فرمودند: «هرکس حرفی از کتاب الله عزوجل را به تیت شنیدن، بدون قرائت با صوت، تنها استماع کند، خدای متعال به ازای آن حرف، حسنه‌ای برایش می‌نویسد و سینه‌ای از او محو می‌کند و درجه‌ای به درجاتش می‌افزاید.»^۱

ما معمولاً قرآن را که می‌خوانیم، کمتر به آنچه می‌خوانیم توجه داریم. اصولاً انسان وقتی چیزی را می‌شنود، بیشتر به آن توجه می‌کند؛ زیرا وقتی انسان درصدد شنیدن است، می‌خواهد بفهمد تا اگر پاسخی لازم است، ارائه دهد. لذا به ما توصیه کرده‌اند که گاهی نیز به تلاوت قرآن گوش کنیم. تلاوت قرآن بسیار خوب است؛ اما گوش کردن به قرآن در کنار خواندن آن هم عظمت

۱. الکافی، ج ۲، ص ۶۱۲

فراوان دارد. گاهی ممکن است گوش کردن به آیات الهی در انسان تنبّه و انتقالی ایجاد کند که صرف تلاوت آن اثر را ندارد.

❖ شنیدن قرآن و ارتقاء ایمان

شاید برای همین است که قرآن کریم و روایات معصومین (علیهم السلام) این قدر بر روی شنیدن قرآن تأکید دارند. خدای متعال وقتی می خواهد اوصاف مؤمنین را بیان کند و آن‌ها را بستاند، از تأثیر شگفت آیات قرآن بر قلوب آن‌ها و هدایت آن‌ها می گوید: «إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ إِذَا ذُكِرَ اللَّهُ وَجِلَّتْ قُلُوبُهُمْ وَإِذَا تُلِيَتْ عَلَيْهِمْ آيَاتُهُ زَادَتْهُمْ إِيمَانًا»^۱ همانا مؤمنان کسانی هستند که از یاد خدا قلب‌هایشان به لرزه می افتد و هنگامی که آیات الهی که بر آن‌ها تلاوت می شود را می شنوند، بر ایمانشان افزوده می شود. پس روشن است که استماع قرآن در ارتقای ایمان و ارتقای وجودی انسان اثر ویژه دارد. لذا خدای سبحان همچنین به مؤمنان سفارش می کند که زمانی که تلاوت قرآن صورت می گیرد، ساکت باشید و گوش دهید تا شاید از برکات عظیمی که

۱. الأنفال(۸): ۲.

این گوش دادن دارد، بهره‌مند شوید.^۱ بر همین اساس، برخی از اولیای الهی توصیه کرده‌اند که قبل از خواندن قرآن، قرآن را بشنوید.

حضرت آیت‌الله العظمی بهجت (رضوان الله تعالی علیه) می‌فرمودند که انسان در قرآن خواندن به جایی می‌رسد که قرآن را با زبان می‌خواند، با چشم می‌بیند و با گوش می‌شنود و این تازه در مرحله ظاهر است. گوش و چشم و زبان همه به کار می‌افتند و همه با هم تعامل می‌کنند.

همه این‌ها نشان می‌دهد که شنیدن در ارتباط با قرآن، خود یک کار عمده و مهم است. پس استماع یا همان شنیدن قرآن در نظام تربیت و تعالی انسان، یک امر جدی و دستورالعمل سلوکی است که آثار تربیتی فراوانی را برای انسان به ارمغان خواهد آورد.



چهاردهم:

ترتیل قرآن و صوت حزین

❖ تلاوت با ترتیل

از امام صادق (علیه السلام) درباره تفسیر آیه شریفه: «وَرَتَّلِ الْقُرْآنَ تَرْتِيلاً»^۱ سؤال شد. حضرت در پاسخ، به نقل از جدّ بزرگوار خود، امیرالمؤمنین (علیه السلام) فرمودند: «یعنی آیات قرآن را خوب بیان کن و همانند شعر آن را با شتاب مخوان و مانند ریگ (هنگام خواندن) آن را پراکنده مساز».^۲ به عبارت دیگر، ترتیل یعنی شخص قاری، آیات قرآن را نه آن چنان تند بخواند که حروف و کلمات و وقف‌ها و فواصل خوب ادا نشود و نه آن قدر میان حروف و کلمات فاصله بدهد که تمرکز انسان را از بین ببرد. حضرت در این بیان خود توصیه فرمودند که با این گونه تلاوت کردن قرآن، به دنبال این باشید که دل‌های سخت خود را به وسیله آن به بیم و هراس بیندازید و آن را از حالت قساوت خارج کنید؛ نه اینکه همت شما صرفاً این باشد که سوره را به آخر برسانید یا جزء را تمام کنید.

۱. المزمّل، ۴

۲. الکافی، ج ۲، ص ۶۱۴

❖ تلاوت با صوت خوش و حزین

از دیگر آداب تلاوت قرآن کریم آن است که با صدای زیبا خوانده شود. امام صادق (علیه السلام) از رسول گرامی اسلام (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) نقل می‌کنند که آن حضرت فرمود: هر چیزی زینتی دارد؛ زینت قرآن، صوت زیبا و نیکوست.^۱ در روایات همچنین تأکید شده که قرآن را با صدای حزین و به همراه اشک تلاوت کنیم. البته این گریه گاهی گریه شوق است و گاهی گریه حزن. گریه تنها علامت بیچارگی و بدبختی و نیاز نیست؛ بلکه نشانه اشتیاق هم هست. وقتی انسان مقامات مؤمنین را می‌بیند، و از طرفی خود را محتاج به کمالات می‌بیند، مشتاق می‌شود و برای اشتیاقش اشک می‌ریزد. امام صادق (علیه السلام) فرمودند: «إِنَّ الْقُرْآنَ نَزَلَ بِالْحُزْنِ فَأَقْرَأُوهُ بِالْحُزْنِ»^۲ قرآن برای ایجاد تأثر در نفوس انسان‌ها محزون نازل شده، پس آن را با صدای حزین بخوانید.

مرحوم آیت الله حاج سید علی آقای قاضی (رضوان الله تعالی علیه) در یکی از نامه‌های خود خطاب به شاگردان خود می‌نویسد: «قرآن

۱. الکافی، ج ۲، ۶۱۵

۲. الکافی، ج ۲، ص ۶۱۴

را در دل شب با صوت حزین بخوانید که خواندن قرآن با صوت حزین، شراب طهور مؤمنان است و مؤمنان را سرمست می‌کند.» لذتی که مؤمنان از این شراب طهور می‌برند، بی‌نهایت و غیرقابل توصیف است. ایشان همچنین می‌فرمود: «آن قرّة العیون مخلصین را همیشه در چشم داشته باشید و با آن هادی طریق مبین و صراط مستقیم سیر نمایید و از جمله سیرهای شریف آن، قرائت است به حُسن صوت و آداب دیگر به خصوص در بطون لیالی.» قرائتی که با این کیفیت صورت پذیرد، برای انسان سیر و حرکت ایجاد می‌کند.





پانزدهم:

مراتب توجه و تدبّر در قرآن

❖ **توجه به حضور در محضر کتاب الهی**

از جمله آداب معنوی تلاوت قرآن کریم، تدبّر و تفکّر در آیات است. تدبّر ملازم مراقبه در محضر قرآن و توجه به آن است. اولین و پایین‌ترین مرتبه این مراقبه، تمرکز نگاه به کلمات قرآن است. مرتبه بالاتر این است که انسان مفاهیم آیات را در ذهن بگذراند. مرتبه بالاتر آن این است که احساس کند با قرآن هم‌صحبت است. اگر قرآن را یک موجود زنده دیدیم که با ما گفتگو می‌کند، ما از او راه می‌خواهیم و او راه را بیان می‌کند، در اینصورت حیاء اجازه نخواهد داد که در هنگام مخاطبه با قرآن، توجه ما جای دیگر باشد؛ چنانکه اگر با رفقای خود این چنین رفتار کنیم، قطعاً از ما رنجیده خواهند شد. هر چه قرآن در نظر ما باشعورتر دیده شود، ارتباط ما با آن عمیق‌تر خواهد شد.

شخصی نزد استاد اخلاق خود رفته بود تا دستور مراقبه بگیرد. به استاد عرضه داشت که من هر سه روز، یک‌بار قرآن را ختم می‌کنم. استاد به او گفت: هر موقع قرآن می‌خوانی احساس کن قرآن را در حضور من می‌خوانی. با توصیه استاد، مدت‌زمان ختم قرآن او طولانی‌تر شد. بار دیگر به محضر استاد رسید. استاد گفت حالا احساس کن که از زبان رسول اکرم (صلی اللّٰه علیه و آله)

قرآن را می‌شنوی. کار بر آن فرد سخت‌تر شد و تلاوتش کندتر گردید. بار سوم که به خدمت استاد رسید، استاد به او گفت: اکنون احساس کن که قرآن را از جانب حق تعالی می‌شنوی. آن شخص دید که اصلاً از یک آیه هم نمی‌تواند عبور کند.

واقعیت آن است که قرآن کریم همان‌گونه که اهل بیت (علیهم‌السلام) فرموده‌اند تجلی تامّ و بدون واسطه خداست؛ اما چون ما معرفت به این معنا نداریم از کنار آن عبور می‌کنیم و شأن آن را رعایت نمی‌کنیم. آیت‌الله بهجت (رضوان الله تعالی علیه) می‌فرمودند که اگر قرآن را به صورت واقعی‌اش ببینیم، آنگاه معلوم می‌شود که دست از ترنج می‌شناسیم یا نه؟!

ما وقتی اشخاص را می‌بینیم، جسم آن‌ها را می‌بینیم؛ اما از کمالات روحی آن‌ها خبر نداریم مگر گاهی هم‌نشین آن‌ها شویم و گاهی ارتباط بگیریم و کم‌کم از کمالات آن‌ها باخبر می‌شویم. آن چیزی هم که ما از الفاظ و صورت مکتوب قرآن می‌بینیم، بدن قرآن است. روح قرآن حقیقتی است که این الفاظ، بدن آن است و اگر این الفاظ را به عنوان بدن دیدیم، هم‌نشینی با این بدن کم‌کم ما را به صفات روح و کرامت‌ها و زیبایی‌های آن رهنمون می‌کند.

❖ توجّه به مراتب عبارات تا حقایق کلام الهی

مسیر رسیدن به مصادیق و حقائق قرآن، همین ظاهر الفاظ است. ما باید آرام آرام از الفاظ قرآن کریم حرکت کنیم و به معانی آن برسیم؛ این مسیر هم از آشنایی با زبان عربی می گذرد چرا که قرآن «عربیّ مبین» است. اما نباید در این معنا متوقف بمانیم؛ بلکه باید به سمت حقائق قرآن کریم، هجرت کنیم. در همین ارتباط می توان به روایت امام صادق (علیه السلام) اشاره کرد که درباره مراتب قرآن کریم فرمودند: «كُتِبَ اللَّهُ عَلَىٰ أَرْبَعَةِ أَشْيَاءَ عَلَى الْعِبَارَةِ وَالْإِشَارَةِ وَاللِّطَائِفِ وَالْحَقَائِقِ فَالْعِبَارَةُ لِلْعَوَامِّ وَالْإِشَارَةُ لِلْخَوَاصِّ وَاللِّطَائِفُ لِلْأَوْلِيَاءِ وَالْحَقَائِقُ لِلْأَنْبِيَاءِ».^۱ این مراتب چهارگانه، عبارات، اشارات، لطایف و حقایق، همگی همچون مَعْبَرَهایی هستند که انسان باید از آن عبور کند تا به مقصد نهایی برسد. و البتّه در هر مرتبه باید مراقبه در مراتب قبلی به احسن وجه و با قوّت ادامه یابد.

۱. بحار الأنوار، ج ۷۵، ص ۲۷۸.



شانزدهم:

پیام قرآن و مقام تخاصب

❖ دریافت پیام اختصاصی از قرآن

قرآن کتاب هدایت است و تک تک آیات آن برای هدایت تک تک افراد انسان جایگاه ویژه ای دارد. یکی از راه‌های ایجاد انس و محبت به قرآن و ورود به تدبّر در آیات الهی این است که انسان آیاتی را که قرائت می‌کند، اول خود را مخاطب آن آیات بداند، به گونه‌ای که گویا حقیقتاً این آیه برای او نازل شده است و مخاطب این آیه او است. «إِنَّمَا يَعْرِفُ الْقُرْآنَ مَنْ خُوِّطَ بِهِ»^۱ از یک جهت به این معناست که شناخت حقیقی قرآن منحصر در معصومین (علیهم السلام) است که مخاطب اصلی قرآن هستند، و از جهت دیگر نشان می‌دهد که معرفت به قرآن برای کسی است که خود را مخاطب قرآن قرار بدهد و به میزانی که این مخاطب وجود داشته باشد، شناخت حاصل می‌شود. اگر باور کردیم که خداوند در قرآن کریم به طور اختصاصی با ما صحبت می‌کند، توجه ما به شنیدن کلام الهی بیشتر می‌شود. این باور در وجود ما هر چقدر بیشتر تقویت گردد و محبت ما هرچه بیشتر شود، ارتباط میان ما و قرآن محکم‌تر و ناگسستی‌تر خواهد شد.

اگر مخاطبه نفسی قرآن کریم، باور انسان شد، آنگاه خواهد دید که راه مجاهده همین جا است. با این نگاه، انسان دائماً از محضر قرآن کریم، دستور بعد از دستور دریافت می‌کند و برای او جذب بعد از جذب اتفاق می‌افتد. در این صورت، اگر در ظاهر به طور کاملاً اتفاقی از جایی می‌گذرد و تلاوت آیه‌ای را می‌شنود و یا قرآن را باز می‌کند و آیه‌ای را قرائت می‌کند، باید بداند که مواجهه با این آیاتِ خاصّ اتفاقی نیست؛ بلکه این آیه شریفه هم اکنون با او یک کار ویژه دارد و پیام خاصی را به او برسانده است. قرآن تجلّی «حیّ قیوم» است، و در هدایت‌گری انسان جلوه این حیات و معیتِ قیومیه حق تعالی است. لذا هر ارتباطی و پیامی متناسب با نیاز و قابلیت انسان در هر مرتبه و هر لحظه است.

❖ نمونه‌هایی از مخاطب با قرآن

کسی که قرآن را پیام اختصاصی خداوند برای خود بداند، در این مخاطب گام به گام پیش می‌رود. انسان ابتدا خود را مخاطب «یا أَيُّهَا النَّاسُ» و «یا أَيُّهَا الْإِنْسَانُ» های قرآن می‌یابد. البته آیات زیادی هست که مخاطب آن همه مردم هستند، بدون اینکه قرآن به مخاطب خود تصریح کند. همچنین در گام‌های بعد خود را مخاطب «یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا» های قرآن و آیات خطاب به مؤمنین

می یابد و همینطور پیش می رود تا جایی که می یابد، حتی آیاتی که مخاطب آن خود وجود مبارک پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) است برای انسان در مقام مخاطب پیام هدایتی دارد. از آن سو هم وقتی تأمل انسان زیاد شود، در می یابد که اگر چه مؤمن است اما اگر مراتبی از شرک خفی هم در وجود او هست، به همین نسبت آیات مربوط به مشرکین و منافقین هم برای او پیام دارد!

اگر انسان پیام های الهی را به خود بگیرد و خود را مخاطب آنها بداند، وقتی قرآن به او می فرماید «مَنْ ذَا الَّذِي يُقْرِضُ اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا فَيُضَاعِفَهُ لَهُ أَضْعَافًا كَثِيرَةً»^۱ برای او مانند این است که خداوند که کلامش صدق محض است، در نامه ای اختصاصی از او درخواست کرده است که با قرض دادن به خداوند، چندین برابر از خداوند دریافت کند لذا او به دنبال مصداق این قرض دادن به خداوند می گردد تا این پیام اختصاصی خداوند را اجابت کند.

^۱ - بقره (۲): ۲۴۵



هفدهم:

حق تلاوت آیات قرآن

❖ به جای آوردن حق آیات

یکی از نمودهای به جا آوردن حق آیات به این است که وقتی انسان به آیات رحمت و جنت می‌رسد، همان‌جا از خدای متعال این نعمات را طلب کند و آنگاه که به آیات عذاب و آتش می‌رسد، به درگاه خدا پناه برد. اگر به آیات مربوط به نجات‌یافتگان و سرگذشتشان می‌رسد، در دل حسرت بخورد و تمنای حال آن‌ها را به درگاه خدای متعال داشته باشد. وقتی به تکبیر و تعظیم و تسبیح و تحمید می‌رسد، همان‌جا تکبیر و تعظیم و تسبیح و تحمید خدا را بر زبان جاری سازد. همه این‌ها ایجاد ارتباط با قرآن است.

از امام صادق (علیه‌السلام) روایت شده که در تفسیر آیه: «الَّذِينَ آتَيْنَاهُمُ الْكِتَابَ يَتْلُونَهُ حَقَّ تِلَاوَتِهِ أُولَئِكَ يُؤْمِنُونَ بِهِ»^۱ فرمودند: مراد از «يَتْلُونَهُ حَقَّ تِلَاوَتِهِ»، توقف و تأمل در کنار آیات مربوط به بهشت و جهنم است؛ این‌گونه که اولی را از خدای متعال مسألت کند و از دومی به خدای سبحان پناه ببرد.^۲

۱. البقره (۲): ۱۲۱.

۲. مجمع البیان، ج ۱، ص ۳۷۵

حضرت آیت‌الله بهجت (رضوان الله تعالی علیه) می‌فرمود: «اگر کتابی بود که عکس اشیاء را نشان می‌داد، آن کتاب همین قرآن است که بهشت و جهنم را نشان می‌دهد با این همه ما این‌گونه بی تفاوت هستیم و به دنیا دل بسته‌ایم. ای کاش ما به تفاوت چیزی بود که ارزش جدا شدن از حق و پیوستن به باطل را داشت. دنیا و مقاماتش چه ارزشی دارد؟! تنها خدا می‌داند که صاحبان مقامات معنوی در اوقات خلوت و مناجات چه حالی دارند و خاموشی فکر چگونه آن‌ها را در اثر مشاهده انوار الهی می‌سوزاند و لو در مدت کوتاه».

❖ متقین و ادای حق تلاوت آیات قرآن

امیرالمؤمنین (علیه‌السلام) در خطبه‌ای که به خطبه متقین مشهور است، در توصیف اهل تقوا می‌فرماید: شب را بر قدم‌ها ایستاده‌اند و قرآن را شمرده شمرده (ترتیل) و با حزن می‌خوانند، «فَإِذَا مَرُّوا بِآيَةٍ فِيهَا تَسْوِيقٌ رَكَنُوا إِلَيْهَا طَمَعًا وَ تَطَلَّعَتْ إِلَيْهَا أَنْفُسُهُمْ شَوْقًا»^۱ وقتی به آیاتی می‌رسند که بشارتی برای اهل ایمان در آن هست، در آن‌ها طمع و شوق وعده‌های الهی ایجاد می‌شود

^۱ - نهج البلاغه، خطبه ۱۹۳ (اوصاف متقین).

گویی آن را در مقابل خود می بینند. و «إِذَا مَرُّوا بِآيَةٍ فِيهَا تَخْوِيفٌ
 أَصْغَوْا إِلَيْهَا مَسَامِعَ قُلُوبِهِمْ وَ أَبْصَارِهِمْ وَ اقْشَعَرَّتْ مِنْهَا جُلُودُهُمْ وَ
 وَجِلَتْ مِنْهَا قُلُوبُهُمْ»^۱ هنگامی که به آیات انذار و خوف عذاب
 الهی می رسند، تمام وجود این‌ها را ترس و وحشت فرامی گیرد.
 گوش‌های قلب آن‌ها باز می شود و انگار صدای زبانه های آتش را
 می شنوند.

اگر حال انسان در هنگام تلاوت قرآن این گونه شود، با قرائت‌های
 ما که به صورت کاملاً عادی و کلیشه‌ای انجام می شود، بسیار
 متفاوت خواهد بود. آیات مربوط به بهشت و جهنم، آیاتی هستند
 که تفکر در آن‌ها می تواند فوق العاده تأثیرگذار باشد و انسان را به
 حق تلاوت آیات نزدیک کند.

^۱ - نهج البلاغه، خطبه ۱۹۳ (اوصاف متقین).



هجدهم:

نزول قرآن در شب قدر

❖ تجلی قرآن بر انسان کامل، در شب قدر

خدای سبحان می فرماید که ما قرآن را در شب قدر نازل نمودیم: «إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ».^۱ در شب قدر، همه امور، چه مادی و چه معنوی، از عالم امر، مقدر شده و به عالم خلق نازل می شود. «تَنْزَلُ الْمَلَائِكَةُ وَالرُّوحُ فِيهَا بِإِذْنِ رَبِّهِمْ مِنْ كُلِّ أَمْرٍ»^۲. و از جمله مهم ترین این امور، که نسبت به سایر امور مطلق و جامع است، حقیقت قرآن است. امور مادی در عالم طبیعی، تفسیر عینی آیات قرآن کریم است؛ لذا شب قدر، شب تنزل قرآن است و نازل شدن سایر امور مادی و معنوی نیز در سایه آن صورت می گیرد. هدف از این تنزل، به ودیعت سپردن این حقیقت عظیم برای انسانی است که شایستگی این ودیعه را داشته باشد؛ لذا روشن است که کسی جز انسان کامل نمی تواند این امانت را تحویل بگیرد. و لذا قرآن بر قلب پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) نازل می شود.

۱. قدر (۹۷): ۱.

۲. قدر (۹۷): ۴.

❖ مقام لیلۃ القدری حضرت فاطمه (سلام الله علیها)

امام صادق (علیه السلام) در تفسیر «لیلۃ القدر» فرمودند: مراد از «لیلۃ»، فاطمه (سلام الله علیها) و مراد از «قدر» خداوند سبحان است. پس هرکس به مقام فاطمه (سلام الله علیها) معرفت پیدا کند، آن گونه که حق معرفت اوست؛ حقیقتاً شب قدر را درک کرده است.^۱ و این بیان دیگری از رابطه نزول قرآن در شب قدر با وجود اهل بیت (علیهم السلام) است.

❖ تجلی قرآن در شب قدر بر امام حی

سیاق «تَنْزَلُ الْمَلَائِكَةُ وَالرُّوحُ فِيهَا»^۲ مضارع است و دلالت بر استمرار امر تنزل ملائکه و روح در هر شب قدر دارد و از طرفی این تنزل با تنزل قرآن «إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ»^۳ همراهی و معیت دارد، لذا تنزل قرآن نیز در هر شب قدر در جریان است، قرآن در زمان حیات رسول خدا (صلی الله علیه و آله)، هر سال و در هر

۱. تفسیر فرات کوفی، ۵۸۱.

۲. قدر (۹۷): ۴.

۳. قدر (۹۷): ۱.

شب قدر بر ایشان نازل می‌شد و پس از ایشان نیز این تنزّل ادامه دارد. و لذا پیامبر (صلی الله علیه و آله) تصریح می‌کنند که اگر بعد از حیات ظاهری ایشان، شب قدر وجود دارد، تنزّل حقایق بر قلب انسان کامل نیز استمرار دارد و ایشان صراحتاً حضرت علی (علیه السلام) را فرد بعد از خود معرفی می‌کنند.^۱

لذا سوره مبارکه قدر یکی از ادله و براهین اثبات ائمه (علیهم السلام) معرفی شده است. امام باقر (علیه السلام) فرمودند: «ای شیعیان! با دشمنان خود با سوره مبارکه «قدر» مُحاجّه کنید و آن‌ها را زمین گیر کنید. به خدا سوگند این سوره پس از رسول خدا (صلی الله علیه و آله) حجت خدا بر خلائق و بزرگ‌ترین دلیل بر مذهب شماست.» حضرت در ادامه به آیات ابتدایی سوره مبارکه دخان که باز هم در مورد شب قدر و نازل شدن قرآن در آن است، اشاره کردند و فرمودند: «به این آیات احتجاج کنید؛ زیرا این آیات دلیل محکمی بر ولایت امرِ خاندان رسول خدا (صلی الله علیه و آله) بعد از ایشان است.»^۲

^۱ - الکافی، ج ۱، ص ۲۴۹.

^۲ - الکافی، ج ۱، ص ۲۴۹.



نوزدهم:

همراهے قرآن و اهل بیت (علیہم السلام)

❖ قرآن و ولایت اهل بیت (علیهم السلام)

امام صادق (علیه السلام) می فرمایند: «خدای متعال ولایت ما اهل بیت را قطب و محور قرآن کریم قرار داد»؛ یعنی راهیابی به حقیقت آن از طریق ما امکان پذیر است. حضرت در ادامه می فرمایند: «محکمات قرآن بر مدار ولایت ما می چرخد و سایر کتب آسمانی نیز به واسطه آن بر مردم افاضه شده است.»^۱

قرآن کریم در مرتبه حقیقت وجودی خود با انسان کامل متحد است. به عبارت دیگر، حقیقت نوری قرآن کریم، همان حقیقت وجود نبی ختمی (صلی الله علیه و آله) است که انسان کامل و من مطلق و بدون قید همه انسان ها است. پس حقیقت نوری قرآن کریم، حقیقت بالقوه همه انسان هاست؛ لذا انسان به هر میزان که با قرآن ارتباط برقرار کند، در حال حرکت به سوی خود حقیقی اش و متحد شدن با حقیقت نوری قرآن کریم است.

اگر میان قرآن و امام رابطه عینیت برقرار است و حقیقت این دو به یک چیز بازمی گردد، پس رجوع به یکی بدون در نظر گرفتن دیگری، معنا ندارد. چنانکه کسی همسایه امام معصوم (علیه السلام)

۱. تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۵.

باشد و هر روز نیز او را ببیند، اما بهره‌ای از حقیقت امامت نداشته باشد و حداکثر نگاهش به او، به عنوان یک عالم دینی باشد! این فرد، اگرچه با جسم امام مرتبط است؛ اما با حقیقت امامت هیچ رابطه‌ای برقرار نکرده است.

اگر کسی با قرآن مرتبط شود؛ اما حقیقت قرآن را عین امام نبیند، این شخص با بدن قرآن مرتبط شده و از مراتب بالای قرآن که به تعبیری تأویل قرآن است، هیچ بهره‌ای نبرده و در حدّ ظاهر متوقف شده و با حقیقت قرآن محشور نشده است. لذا باید توجه داشت که اگر انسان در حالت اعتدال فطری قرار داشته باشد و در ارتباط با قرآن و امام، دچار افراط و یا تفریطی نشود، هر کدام از این دو حقیقت، انسان را به دیگری راهنمایی می‌کند.

❖ قرآن و امیرالمومنین (علیه السلام)

رسول خدا (صلی الله علیه وآله) فرمود: «عَلَيَّْ مَعَ الْقُرْآنِ وَالْقُرْآنُ مَعَهُ، لَا يَفْتَرِقَانِ حَتَّى يَرِدَا عَلَيَّ الْحَوْضَ»؛^۱ این معیت، معیت اتحادی است؛ یعنی این دو با هم اتحاد وجودی پیدا کرده‌اند، به دلیل

۱. أمالی شیخ طوسی، ص ۴۶۰

اینکه بعد از آن فرمود: «لَا يَفْتَرِقَانِ». اگر صرف ضمیمه شدن دو شیء با هم بود، جدا شدن امکان‌پذیر بود؛ اما «لَا يَفْتَرِقَانِ» یعنی این دو از یکدیگر جدا نخواهند شد. این جریان معیت در تمام عوالم قابل مشاهده است؛ یعنی هر چه انسان از عالم ماده فراتر رود و به عالم مثال و عقل وارد شود، می‌بیند که این حقیقت آنجا آشکارتر است.

می‌توان گفت این روایت بیان دیگری از عبارت «لَنْ يَفْتَرِقَا» در حدیث ثقلین است. بر این اساس، اهل بیت (علیهم‌السلام) قطب قرآن هستند و سایر کتاب‌های آسمانی نیز شأن قرآن کریم هستند؛ پس اگر کسی ایشان را به عنوان امام ندید و با آن‌ها ارتباط برقرار نکرد، با قرآن هم نمی‌تواند ارتباط برقرار سازد.

همین بیان در ارتباط قرآن و امام زمان (عجل الله تعالی فرجه) نیز برقرار است که در نکته‌های آتی بیان خواهد شد.





بیستم:

قرآن، تنزل مقدرات
و عرضه اعمال

❖ **عرضه اعمال بر امام**

روایات معصومین (علیهم السلام) حقیقت عظیمی به نام عرضه اعمال بر امام زمان (عجل الله تعالی فرجه) را برای ما تبیین فرموده اند. در بعضی روایات ذکر شده که اعمال انسان هر صبح و شام بر امام ارائه می گردد. در بعضی روایات دیگر، روزهای دوشنبه و پنجشنبه و ایام خاصی از سال یا هنگام احتضار و وفات از زمان عرضه اعمال انسان به امام معصوم ذکر کرده اند. باید توجه داشت که حقیقت این عرضه اعمال بدین شکل است که عمل از عامل خود جدا نیست. لذا انسان و اعمالش همزمان در همه این موقعیت ها به امام عرضه می شود و ایشان بر ما و اعمال ما احاطه دارند.

شخصی در زمان امام صادق (علیه السلام)، خدمت حضرت رسید. حضرت فرمودند: چرا رسول خدا را ناراحت می کنید؟ شخص تعجب کرده و پرسید که ما چگونه می توانیم پیامبر اکرم را اذیت کنیم؟ حضرت فرمودند: «أَمَا تَعْلَمُونَ أَنَّ أَعْمَالَكُمْ تُعْرَضُ عَلَيْهِ» همه اعمال شما بر رسول خدا عرضه می شود و اگر مرتکب کار

زشتی شده باشید، پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله) ناراحت می شوند،
« فَلَا تَسُوْءُوا رَسُوْلَ اللّٰهِ وَ سُرُوْهُ »^۱.

نکته دیگر این است که این تکثر و تنوع در عرضه اعمال، اشاره به این دارد که هر کدام مرحله ای از تثبیت عمل در وجود انسان است. مثلاً اگر انسان در صبح، گناهی مرتکب شود و توبه ای نکند، مرتبه ای از تثبیت این عمل با عرضه به امام محقق می-شود. اما اگر همراه این عمل، توبه نیز همراه شد، وقتی به امام عرضه می شود، عمل با توبه همراه بوده و عمل ناصالح ثبت نمی شود. باز هم به ما فرصت داده اند که اگر همان صبح و شام توبه نکردیم، دوشنبه و پنجشنبه راه توبه برای انسان باز است و می تواند اعمال خود را در وجودش تصحیح کند و این مسأله در سایر اوقات عرضه اعمال، از جمله شب قدر نیز جاری است.

❖ ارتباط عرضه اعمال و قرآن

از جمله زمان های مهم و اثرگذاری که انسان و اعمال او بر امام معصوم (علیه السلام) عرضه می شود، شب های قدر است که اعمال

^۱ - بصائر الدرجات، ج ۱، ص ۴۲۶.

یکسال گذشته انسان با همه جزئیات بر امام ارائه شده و در قبال این عرضه عمل و متناسب با آن، تقدیرات سال پیش رو نیز بر انسان نازل می‌گردد. تقدیرات انسان که به دست خدای متعال و به واسطه امام معصوم (علیه السلام) مقدر می‌گردد، بستگی به اعمالی دارد که در شب قدر به امام عرضه شده است و از آنجایی که حقیقت قرآن با حقیقت امام متحد است و در بیان سوره مبارکه قدر، تنزل ملائکه و روح با تنزل قرآن همراهی و معیت دارد، به میزان ارتباط انسان با مراتب قرآن، بهره مندی از فیوضات این شب توسعه می‌یابد و برای اینکه انسان وضعیت خود را در هنگام عرضه اعمال بر امام زمان (عجل الله تعالی فرجه) در شب قدر بداند، باید اعمال خود را بر قرآن عرضه کند و ببیند که چقدر اعمال او منطبق با قرآن است.

همچنین، ارتباط و میزان بهره مندی که انسان از حقیقت قرآن و معارف آن در سال آتی دارد، از جمله تقدیرات مهم در شب های قدر به حساب می‌آید. بنابراین انس و ارتباط ویژه با قرآن کریم در این شب سرنوشت ساز، می‌تواند موجبات بهره مندی بیشتری را در سرنوشت و تقدیرات انسان مهیا ساخته و زمینه را برای دریافت فیوضات خاص قرآن کریم در این شب برقرار کند.



بیست یکم:

عمل صالح در نسبت با قرآن و امام

❖ عمل صالح قرآنی، مجاورت با امام زمان

هر عمل صالحی مرتبط با مقام ولایت است. بر اساس روایات، اصل شجره طویبی، ولایت است که در خانه‌ی امیرالمؤمنین (علیه‌السلام) قرار گرفته و شاخه‌هایش در خانه مؤمنین است. اگر کسی فقط سرشاخه را دید و ارتباط را ندید، اگرچه او هم به این خیر دست یافته؛ اما چون عقبه عمل صالح خود را ندیده، ضرر کرده است.

در زمان ظهور این حقیقت برای همه آشکار می‌شود که تمام اعمال صالحی که در دوران عمر خویش انجام داده‌اند، هر کدام نور و جلوه‌ای از کمالات و حسناتی است که در وجود امام قرار دارد. لذا پس از ظهور امام زمان (عجل‌الله تعالی فرجه) مردم می‌یابند که ایشان را قبلاً دیده بودند و با ایشان انس داشته‌اند و این انس، ناشی از ارتباط با اعمال صالحی است که در دوران غیبت داشته‌اند و اکنون ارتباط آن اعمال را با ایشان می‌یابند. چراکه هر عمل صالحی به اندازه خود، ارتباط با حضرت است؛ اگر چه انسان در آن لحظه به این ارتباط توجه نداشته باشد. اگر برای کسی در اعمال صالح این توجه و علم به حقیقت اعمال محقق شود، رفته

رفته به مقامی می رسد که غیبت برای او تبدیل به حضور خواهد شد.

❖ ارتباط با قرآن، افضل حسنات

اگر این نکته را پذیرفتیم و همچنین دانستیم که ارتباط با قرآن کریم، افضل حسنات است؛ این امر می تواند ارتباط و حشر دائمی با امام زمان (عجل الله تعالی فرجه) را برای انسان حاصل کند. در این صورت، انسان دیگر با امام خود بیگانه نیست؛ بلکه با او انس می گیرد.

اگر قرآن در وجود انسان پیاده شد و سراسر وجودش، ظهور حقیقت قرآن گردید، قرآن با او متحد شده و انسان به وجود عینی قرآن تبدیل خواهد شد. متحد شدن با قرآن، مفهومی به ظاهر ساده است ولی واقعیت آن از حد معرفت علمای بزرگ اسلام آغاز می شود و تا مرتبه بی حدی روح نبی مکرم اسلام (صلی الله علیه و آله) و حضرات معصومین (علیهم السلام) امتداد می یابد.

وقتی انسان با امام زمان (عجل الله تعالی فرجه) و قرآن کریم انس می گیرد، می یابد که کم کم ابواب دیگری از آیات قرآن که تاکنون برایش روشن نبود، روشن می شود. ابوابی که مانند اتاق های تو-

در تویی که کلید چراغ اتاق دّوم در اتاق اوّل است و با ورود به اتاق اوّل، امکان روشن کردن چراغ اتاق دّوم فراهم می‌شود، همچنین اتاق‌های بعدی که مرتبه به مرتبه روشن می‌شوند. یعنی انسان تا به مرتبه ای از فهم و عمل قرآن نائل نشود، مراتب بعد برای او پیش نخواهد آمد. به فرموده امیر المؤمنین، امام علی (علیه‌السلام) اساساً سیره امام زمان (عجل الله تعالی فرجه) این خواهد بود که قرآن را محور، ملاک و میزان قرار می‌دهد و اندیشه و رأی را تابع آن قرار خواهد داد.^۱

۱. نهج البلاغه، خطبه ۱۳۸



بیست و دوّم:

رجوع به قرآن

در غیبت امام زمان (عجل الله تعالی فرجه)

❖ قرآن، راه ارتباط با امام در عصر غیبت

از جمله فرمایشات حضرت آیت‌الله بهجت (رضوان الله تعالی علیه) این بود که غیبت، امری جبران شده است و حدیث ثقلین که به صورت متواتر روایت شده و شیعه و اهل سنت هر دو آن را معتبر می‌دانند و در آن پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) می‌فرمایند «إِنِّي تَارِكٌ فِيكُمْ الثَّقَلَيْنِ كِتَابَ اللَّهِ وَ عَثْرَتِي أَهْلَ بَيْتِي فَإِنَّهُمَا لَنْ يَفْتَرِقَا حَتَّى يَرِدَا عَلَيَّ الْحَوْضُ»^۱، سزای از اسرار شیعه را با خود به همراه دارد. آن سرّ این است که به فرموده حضرت، قرآن و عترت هیچ‌گاه از یکدیگر جدا نمی‌شوند تا این‌که در حوض کوثر بر پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) وارد شوند.

نکته اینجاست که اگر گفته شده که قرآن و عترت هرگز از هم جدا نخواهند شد، پس در حال حاضر نیز جدایی امام زمان (عجل الله تعالی فرجه) و قرآن کریم امکان ندارد. ایشان می‌فرمودند: بر این اساس اگر کسی در دوران غیبت، به دنبال ارتباط با ولی زمان خودش، حضرت ولی عصر (عجل الله تعالی فرجه) باشد، طریقتش، رجوع به قرآن و انس با این کتاب شریف است تا به این حقیقت

دست یابد. پس هرگاه دل انسان برای امام زمان (عجل الله تعالی فرجه) تنگ شد و اشتیاق دیدار آن حضرت را پیدا کرد و هنگامی که نام امام برده شد و حال او منقلب گشت، می تواند قلب خود را با قرآن تسلا دهد و امام زمان (عجل الله تعالی فرجه) را همان جا بیابد.

❖ رجوع به قرآن در فتنه های دوران غیبت

اگر فرموده اند: «فَإِذَا التَّبَسَّتْ عَلَيْكُمْ الْفِتْنُ كَقَطْعِ اللَّيْلِ الْمُظْلِمِ فَعَلَيْكُمْ بِالْقُرْآنِ»^۱ نشان دهنده این است که در فتنه های آخر الزمان، هدایت قرآن، ما را به هدایت امام زمان (عجل الله تعالی فرجه) متصل می کند و جبران غیبت ظاهری ایشان است.

با این نگاه، اگر کسی به قرآن رجوع کند و با آن ارتباط برقرار کند، حتماً به امام رجوع کرده و امام برای او غایب نخواهد بود و غیبت برایش جبران شده است. اگر کسی قرآن را در دست داشته باشد، نمی تواند ادعا کند که امام، غائب است؛ زیرا هدایت گری و گفتگوی با امام را در قرآن خواهد دید. آنگاه که انسان باور کند که قرآن را از زبان امام خود می شنود، در این صورت عمق

^۱ - الکافی، ج ۲، ص ۵۹۹.

استفاده او متفاوت خواهد شد. اگر انسان باور کرد که اینجا امام حاضر است، در این صورت قرآن را مثل کتاب‌های دیگر نمی‌بیند؛ بلکه قرآن که ثقل اکبر و میزان مطلق است، برای او حقیقتی خواهد داشت که با وجود مقدس امام عصر (عجل الله تعالی فرجه) وحدت دارد.





بیست و سوم:

عروج باقرآن در معراج نماز

❖ **عروج با قرآن در نماز**

نماز معراج مؤمن است و او را بالا می‌برد. از جمله معارف بلندی که در روایات اهل بیت (علیهم‌السلام) بیان شده این است که اثر قرائت قرآن به نسبت اینکه در این معراج صورت بگیرد و یا خارج از آن باشد، بسیار متفاوت خواهد بود؛ به گونه‌ای که اگر قرائت قرآن در نماز باشد، آثار و برکات این قرائت به نسبت قرائتی که خارج از نماز باشد، به طور تصاعدی بالا می‌رود. حتی قرائت قرآن در نماز نشسته با قرائت آن در حالت ایستاده متفاوت است و پاداش و اثر متمایزی دارد.

از امام باقر (علیه‌السلام) روایت شده که آن حضرت فرمود: «کسی که قرآن را در نماز به حالت ایستاده قرائت کند، خدای متعال به ازای هر حرف، صد حسنه برایش منظور می‌کند و کسی که قرآن را در نماز به حالت نشسته قرائت کند، خدای متعال به ازای هر حرف، پنجاه حسنه برایش مکتوب می‌فرماید و کسی که در خارج از نماز قرآن را قرائت کند، خدای سبحان برایش به ازای هر حرف، ده حسنه مقدر می‌سازد.»^۱

۱. الکافی، ج ۲، ص ۶۱۱.

❖ ایجاد طهارت با قرآن خواندن در نماز

دقت داشته باشیم که توجه به این حسنات نباید صرفاً از جهت عنوان ثواب و پاداش باشد، اگرچه آن هم مطلوب است؛ اما آنچه اهمیت دارد و باید مورد تأکید قرار گیرد آن است که هر کدام از این حسنات، موجب زائل شدن سیئات و آلودگی‌ها از وجود انسان می‌شود؛ چنانکه قرآن کریم می‌فرماید: «وَأَقِمِ الصَّلَاةَ طَرَفَى النَّهَارِ وَزُلْفًا مِنَ اللَّيْلِ إِنَّ الْحَسَنَاتِ يُذْهِبْنَ السَّيِّئَاتِ»^۱ و همه این‌ها با هم موجب می‌شود که انسان قدم‌به‌قدم و منزل‌به‌منزل به طهارت محض و توحید ناب نزدیک‌تر شود.

لذا می‌بینیم در روایت دیگری که آن هم به موضوع قرائت قرآن در نماز اشاره دارد، راوی از امام صادق (علیه‌السلام) نقل کرده که آن حضرت فرمودند: «اگر کسی یک حرف از قرآن را در نماز به طور نشسته بخواند، علاوه بر اینکه پنجاه حسنه برایش نوشته می‌شود، پنجاه سیئه از او محو می‌شود و پنجاه درجه به حق تعالی نزدیک‌تر می‌شود و کسی که همین حرف از قرآن را در حال

۱. هود(۱۱): ۱۱۴.

ایستاده در نماز بخواند، خدای متعال علاوه بر اینکه صد حسنه
برایش منظور می‌فرماید، صد سیئه از نامه اعمالش محو می‌کند و
صد درجه او را به خود نزدیک می‌سازد.»^۱

۱. الکافی، ج ۲، ص ۶۱۲ و ۶۱۳.



بیست و چهارم:

دعا: قرآن صاعد

❖ **دعا، پاسخ بنده نیازمند به نامه محبوب**

قرآن کریم، از جانب خداوند متعال نازل شده است و نامه محبوب است. در مقابل؛ دعا، قرآن صاعد و جواب نامه محبوب یعنی قرآن است. لذا ارتباط با دعا نیز نسبت مستقیمی با ارتباط انسان با قرآن دارد.

اساس دعا اظهار نیاز و ارتباط موجود نیازمند با رافع نیاز خویش است. لذا هرچه نیاز موجودی شدید تر باشد، رابطه موجود با رافع نیاز شدیدتر است. دعا، طلب و اظهار نیاز در نسبت با خداوند بوده و هر نیازی، ارتباط با خداوند است و انسان موجودی است که برای مقام قرب الهی که بالاترین کمال و شدیدترین ارتباط با خداوند است، خلق شده است؛ «**يَا أَيُّهَا النَّاسُ أَنْتُمُ الْفُقَرَاءُ إِلَى اللَّهِ وَاللَّهُ هُوَ الْغَنِيُّ**»^۱

خداوند می فرماید، ما انسان را در مقام احسن تقویم خلق کردیم و سپس او را به اسفل سافلین رجوع دادیم؛ «**لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ**

^۱ - فاطر (۳۵): ۱۵

فِي أَحْسَنِ تَقْوِيمٍ ثُمَّ رَدَدْنَاهُ أَسْفَلَ سَافِلِينَ^۱ این هبوط و نزول برای برای این است که در این مقام، فقر مطلق خویش را بیاید و با عبودیت محض که همان توجه به فقر و نیاز مطلق خویش به خداوند است، به مقام احسن تقویم و قرب الهی باز گردد. انسان مثل آینه‌ای است که اگر از ابتدا رو به خورشید باشد، حس می کند نور خورشید ذاتی خود او و متعلق به او است. اما اگر پشت به آینه قرار گرفت، می یابد که در ذات خود هیچ نوری ندارد و همه نوری که در وجود خود می یافت، انعکاس نور خورشید است؛ لذا اظهار فقر می کند.

❖ نیاز، باب دعا و ارتباط با خداوند

تعبیر قرآن این است: «فَأَخَذْنَا هُمْ بِالْأَسَاءِ وَالضَّرَاءِ لَعَلَّهُمْ يَتَضَرَّعُونَ؛»^۲ ایشان را به تنگی معیشت و بیماری مبتلا ساختیم تا به زاری و خاکساری درآیند. پس آمدن سختی‌ها و مشکلات برای این است که انسان به سمت خدا برگردد. اگر این سختی‌ها

^۱ - تین (۹۵): ۵

^۲ انعام (۶): ۴۲

نباشد، انسان در محرومیت خویش باقی می‌ماند. چون انسان هرچه نیاز را در خود بیشتر احساس کند، رابطه با خدا را بیشتر احساس می‌کند و رشد بیشتری می‌یابد.

قرآن از لسان انبیاء خویش، این اظهار فقر و نیاز را به ما می‌آموزد. «ربّناهای قرآنی» نمونه‌ای از این ادعیه است. حضرت موسی (علیه السلام) پس از سرگردانی در بیابان و روزها گرسنگی و تشنگی به درگاه الهی عرضه می‌دارد که «رَبِّ إِنِّي لِمَا أَنْزَلْتَ إِلَيَّ مِنْ خَيْرٍ فَقِيرٌ»^۱ خدایا من به آنچه از سوی تو برای من نازل شود، فقیر و محتاج هستم. در روایات آمده است که این دعای حضرت موسی (علیه السلام) در طلبِ قرص نانی بود اما چون در نهایت فقر و التجاء بود، خداوند در اجابت او را در مدین به شعیب رساند و مال و همسر به او داد و از همه بالاتر، او را به نبوت برگزید.

در لسان اهل بیت (علیهم السلام) نیز که خود را عبد مطلق حق تعالی می‌دیدند، این اظهار فقر و عجز و دعا و طلب، در قالب ادعیه بیان شده است.

^۱ - قصص (۲۸): ۲۴



بیست و پنجم:

خانه های نورانی با قرآن

❖ نورانی کردن خانه‌ها با قرائت قرآن

توصیه اهل بیت (علیهم‌السلام) به ما این است که عبادت‌های خود را تنها به مساجد و مراکز مذهبی محدود نکنیم؛ بلکه قسمتی از اعمال مستحبی را در خانه‌های خود انجام دهیم تا به وسیله آن، نور و برکت به محل زندگی و جایی که محل رشد و بالندگی خود و فرزندان است نیز وارد شود.

از جمله مهم‌ترین اعمالی که توصیه شده در خانه‌ها انجام شود، قرائت قرآن است. از رسول خدا (صلی‌الله‌علیه‌وآله) نقل است که آن حضرت فرمودند: «نُورُوا بُيُوتَكُمْ بِتِلَاوَةِ الْقُرْآنِ»^۱ خانه‌های خود را با تلاوت قرآن نورانی کنید. در ادامه هم فرمودند: خانه‌های خود را همچون قبور تاریک قرار ندهید، آن‌گونه که یهود و نصارا عبادتشان را تنها در کنیسه‌ها و صومعه‌ها انجام دادند و خانه‌های خود را نسبت به این امر (تلاوت کتاب الهی) تعطیل کردند؛ چراکه: «فَإِنَّ النَّبِيَّ إِذَا كَثُرَ فِيهِ تِلَاوَةُ الْقُرْآنِ كَثُرَ خَيْرُهُ وَ اتَّسَعَ أَهْلُهُ وَ أَضَاءَ لِأَهْلِ السَّمَاءِ كَمَا تُضِيءُ نُجُومُ السَّمَاءِ لِأَهْلِ الدُّنْيَا»^۲ اگر

۱. الکافی، ج ۲، ص ۶۱۰.

۲. الکافی، ج ۲، ص ۶۱۰.

تلاوت قرآن در خانه‌ای زیاد شود، خیر و برکت بر اهل آن خانه فراوان می‌شود و برای آن‌ها گشایش حاصل می‌گردد و آن خانه برای اهل آسمان، نورانی جلوه می‌کند؛ آن‌گونه که ستارگان آسمان برای اهل زمین می‌درخشند.

در مقابل، در روایات بر این نکته نیز تأکید شده که اگر در خانه‌ای قرآن قرائت نشد، فرشتگان از آن خانه هجرت می‌کنند و آن خانه محل حضور شیاطین خواهد شد.^۱

❖ محفل انس خانوادگی:

سنت قرائت قرآن جمعی و خانوادگی در منزل، آثار زیادی دارد. حتی اگر هر شبانه روز یک صفحه قرآن به صورت جمعی خوانده شود نیز، موجب افزایش روزی و موجب طهارت اهل خانواده و دفع بلا یا می‌شود. گاهی به هر دلیلی مثل همین ابتلای اجتماعی و ویروس کرونا، اگر توفیق محافل انس عمومی در مساجد را پیدا نمی‌کنیم، قرائت قرآن و محفل انس خانوادگی را قدر بدانیم و آن را از دست ندهیم.

۱. الکافی، ج ۲، ص ۶۱۰.

مجالس نورانی خانوادگی در تربیت نفوس فرزندان اثر گذار است. همانطور که مجالس اهل بیت (علیهم السلام) به صورت خانوادگی در نورانیت محیط خانواده تأثیر ویژه می‌گذارد و در هدایت و تربیت فرزندان صالح بسیار موثر است. محافل انس با قرآن در منازل و در جمع خانواده، علاوه بر ایجاد انس و رفاقت میان اهل خانه با قرآن، اثر معنوی و روحانی بر تربیت نفوس فرزندان دارد. چرا که لوح وجود کودک، خصوصاً در سنین پایین پاک بوده و به فطرت نزدیک است و با ملکوت قرآن ارتباط برقرار می‌کند و تأثیر می‌پذیرد. تعبیر روایات این است که تعلیم و تربیت در کودکی مانند نقش حگاک‌ی شده روی سنگ، ماندگار است. چه خوب است که نقش لوح دل کودکان ما از همان کودکی قرآنی و مطابق فطرت پاکشان باشد.





بیست و ششم:

قرآن و دعوت فطری بشریت

❖ قرآن و زبان فطرت

زبان قرآن کریم، زبان فطرت است. به این معنا که حتی برای کسانی که مسلمان نیستند، می تواند سخن بگوید و آنها را به فطرت خویش رجوع دهد.

خود الفاظ ظاهری قرآن و معانی ظاهری و ارزش های انسانی ارائه شده در آن برای کسانی که نور فطرت در وجود آنها خاموش نشده است، جذابیت دارد. بعضی از این صحنه های جذب در طول تاریخ پیش آمده است که نمونه آن، جریان نجاشی و جذب او به مرتبه معنای ظاهری قرآن در زمان مهاجرت مسلمانان به حبشه در صدر اسلام است. این زبان فطری، به قدری قوت دارد که مشرکین برای اینکه پیروانشان به قرآن جذب نشوند، دستور می دادند که هنگامی که پیامبر (صلی الله علیه و آله) قرآن می خواند، دست های خود را در گوش فرو کنند تا صدای قرآن را نشنوند. چراکه بسیاری از غیر مسلمانان، با شنیدن صدای تلاوت قرآن پیامبر و مسلمانان، جذب اسلام شده بودند.

بر این اساس، ذکر بودن قرآن؛ یعنی ما هرآنچه قرآن می‌فرماید را در درون خود به لحاظ فطری داریم و کار قرآن این است که ما را به آنچه داریم، متنبه می‌کند: «لَقَدْ أَنْزَلْنَا إِلَيْكُمْ كِتَابًا فِيهِ ذِكْرُكُمْ»^۱. ما کتابی به سوی شما فرستادیم که حقیقت وجودی انسان را به او متذکر می‌شود. در واقع، ذکر، همان ذکر قلبی است و اگر ذکر لفظی و لسانی را هم ذکر می‌گویند، از باب این است که حکایت‌گر آن و از آثار آن است. قرآن فرمود: «إِنَّ فِي ذَلِكَ لَذِكْرَى لِمَنْ كَانَ لَهُ قَلْبٌ أَوْ أَلْقَى السَّمْعَ وَهُوَ شَهِيدٌ»^۲ همانا در این کتاب ذکر و یادآوری برای کسی است که یا قلب بیدار داشته باشد و یا اینکه [به کسی که اهل باشد،] خوب گوش فرا دهد تا اهل مشاهده شود. ما حقیقتاً نسبت به ارزش و جایگاه قرآن غفلت داریم؛ در حالی که خدای متعال اراده فرموده تا ما را به وسیله همین کتاب بیدار کند.

۱. انبیاء(۲۱): ۱۰.

۲. ق(۵۰): ۳۷.

❖ زبان فطری قرآن در دعوت نهایی امت ها به توحید

امام صادق (علیه السلام) در پاسخ به شخصی که پرسید چگونه ممکن است که قرآن با وجود مرور زمان، کهنه نمی‌شود؟! فرمودند: «لِأَنَّ اللَّهَ لَمْ يُنْزِلْهُ لِرَمَانٍ دُونَ زَمَانٍ وَلَا لِتَأْسٍ دُونَ نَاسٍ فَهُوَ فِي كُلِّ زَمَانٍ جَدِيدٌ وَعِنْدَ كُلِّ قَوْمٍ غَضٌّ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ»؛^۱ زیرا خدای متعال این کتاب را برای یک زمان خاص و یک قوم خاص نازل نکرده است و برای همه اقوام و دعوت آن‌ها به توحید تا قیامت تازگی و طراوت دارد.

ما هنوز از این ظرفیت فطری قرآن بهره کافی نبرده ایم و عمق قرآن برای ما آشکار نشده است. شاید یکی از ذخایر مهمی که خدای متعال برای ما در قرآن کریم در دوران آخرالزمان قرار داده است، همین زبان فطری است که موجب دعوت سایر افراد انسانی به دعوت نهایی اسلام خواهد شد. امام باقر (علیه السلام) فرمودند: «وَلَوْ قَدْ قَامَ قَائِمُنَا فَتَنَطَّقَ صَدَقَهُ الْقُرْآنُ»؛^۲ اگر قائم ما قیام کند و سخنی بگوید، قرآن او را تصدیق خواهد کرد.

۱. عیون أخبار الرضا (علیه السلام)، ج ۲، ص ۸۷

۲. تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۱۳



بیست و هفتم:

قرآن در عصر ظهور

❖ تجلی حقایق قرآن در عصر ظهور

در روایات چنین آمده که اصل غیبت امام زمان (عجل الله تعالی فرجه) از اسرار الهی است که حکمت آن بعد از ظهور آشکار می شود. در روایتی از امام صادق (علیه السلام) درباره حکمت غیبت حضرت بقیة الله (عجل الله تعالی فرجه) سؤال می شود. آن حضرت در پاسخ می فرماید: «علتی دارد که هنوز اجازه نداریم برای شما بیان کنیم.» راوی دوباره اصرار می کند تا امام حکمت غیبت را بیان کنند. امام (علیه السلام) در پاسخ می فرماید: «حکمت غیبت، همان حکمت غیبت انبیا و حجج پیشین است.» و تأکید می کنند که این حکمت، بعد از ظهور مشخص خواهد شد. آنگاه در ادامه می فرماید: «جریان غیبت، سِری از اسرار الهی و غیبی از غیب خدای سبحان است.»^۱ اگر ما باور کردیم که خدا حکیم است، تصدیق خواهیم کرد که همه افعال او از روی حکمت است، گرچه حکمت برخی از افعال او برای ما آشکار نشود.

از جمله ویژگی های عصر ظهور آن است که قرآن کریم در آن عصر با عظمت که زمان تجلی و ظهور حقیقت است، تازه به

۱. کمال الدین و تمام النعمة، ج ۲، ص ۴۸۲.

سخن درمی‌آید. در واقع، یک مرحله از ظهور و تجلّی نهایی قرآن در عصر ظهور امام زمان (عجل الله تعالی فرجه) محقق خواهد شد و مراحل دیگر آن در رجعت و قیامت صورت خواهد گرفت.

❖ فهم قرآن در سایه رشد عقول

در روایتی از امام باقر (علیه السلام) نقل شده که آن حضرت فرمود: «زمانی که حضرت حجت (عجل الله تعالی فرجه) ظهور نماید، دست الهی خود را بر سر بندگان خدا می‌گذارد و با این کار، عقول آنها را رشد می‌دهد و کامل می‌نماید و جان‌هایشان را آماده نوشیدن شهد شیرین قرآن کریم می‌نماید.»^۱

علاوه بر رشد عقول، جهت دیگر این است که امام (علیه السلام) که بر اساس منصب امامت، وظیفه هدایت‌گری و رساندن مردم به کمال را بر عهده دارد، در آن دوره در اوج ظهور این منصب قرار دارند. همچنین خود قرآن کریم نیز دارای ظرفیتی بی‌نهایت است و این ظرفیت بی‌نهایت زمانی باید به ظهور و بروز برسد.

۱. الکافی، ج ۱، ص ۲۵

البته این بدین معنا نیست که فهم حقایق قرآن در دوران غیبت برای کسی امکان‌پذیر نیست؛ بلکه در دوران غیبت امام عصر (عجل الله تعالی فرجه) نیز به هر میزان که زندگی خود را قرآنی کنیم و زمینه لازم برای ادراک هدایت مخصوص پرهیزکاران را به دست آوریم، اولاً به فرج شخصی نزدیک‌تر شده‌ایم و ثانیاً آمادگی تجلّی قرآن را در خود ایجاد کرده‌ایم تا جایی که این تجلّی بی‌کم و کاست در دوران ظهور، بیشتر محقق خواهد شد.

از جمله ویژگی‌های دوران ظهور امام عصر (عجل الله تعالی فرجه) آن است که ایشان حقیقت قرآن را ظهور می‌دهند و به همین دلیل، حاکمیت اوامر الهی به نهایت خودش می‌رسد؛ لذا نسبت اعمال ما با قرآن کریم به اوج خواهد رسید. به گونه‌ای که اعمال، روابط و تصمیم‌های ما، همگی مبتنی بر قرآن کریم خواهد شد و در نتیجه سرعت سیر انسان به سوی حق تعالی شدیدتر خواهد شد.





بیست و هشتم:

ظهور و تأویل قرآن

❖ تأویل قرآن و تطبیق بر مصادیق حقیقی

از جمله ویژگی‌ها و مختصات عصر ظهور، ظهور تأویل قرآن یا مصداق اتم آن در عالم به وسیله امام زمان (عجل الله تعالی فرجه) است. اساساً در طول تاریخ، عمده اختلافاتی که بر سر قرآن کریم به وجود آمده، بر سر تعیین مصداق بوده است و یکی از معانی تأویل، برگرداندن به اصل و تطبیق بر مصداق حقیقی الفاظ است.

معیار فهم ما از قرآن، به واسطه انس با دنیا و عالم طبیعت، دنیا محور است. در حالی که نگاه انبیاء و اولیاء (علیهم السلام) آخرت محور و حقیقت محور است. به عنوان مثال ما وقتی به معارفی مانند «شجره» و «حورالعین» و «آتش» و مانند آن در بیان قرآن می‌رسیم، تصویری از درخت و زیبارویان دنیایی و آتش طبیعی داریم و این تصویر را ملاک فهم معارف قرآنی و حقایق آخرتی قرار می‌دهیم. برای ما سخت است که از مصداق محدود مادی و خصوصیات آن فاصله بگیریم. در حالی که اولیاء الهی حقایق باطنی را اصل می‌گیرند و این مصادیق مادی را نازله آن حقایق می‌بینند.

لذا به تعبیر امام خمینی (رضوان الله تعالی علیه) در کتاب آداب الصلوة، مصداق حقیقی شمس (خورشید) و سراج (چراغ)، مصادیق باطنی و آخرتی آن است و مصداق مادی اینقدر نازل است که می توان گفت که استفاده از این مفاهیم برای مصداق مادی در حدّ مجازگویی است. اما ما مصداق مادی را اصل می گیریم و مثلاً کاربرد شمس برای ولایت اهل بیت (علیهم السلام) یا سراج برای وجود نورانی پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله) را مجاز تلقی می کنیم.

❖ تأویل قرآن در زمان ظهور

تأویل حقیقی قرآن نزد اهل بیت (علیهم السلام) است و در دوران ظهور، انسان ها ظرفیت پیدا می کنند تا این تأویل توسط امام زمان (عجل الله تعالی فرجه) آشکار و ارائه شود. لذا در تفسیر این آیه شریفه «هَلْ يَنْظُرُونَ إِلَّا تَأْوِيلَهُ يَوْمَ يَأْتِي تَأْوِيلُهُ». آمده است که تأویل قرآن در روز قیام قائم محقق می شود.

مرحوم آیت الله بهجت (رضوان الله تعالی علیه) می فرمود: کمتر کسی از فقها این قدرت را دارد که حکم را بر مصداق تطبیق بدهد و

فقیهی که این کار را انجام بدهد، در جایگاه ولی فقیه خواهد بود. تطبیق قرآن و عبور از مفهوم به سمت مصداق حقیقی آن بسیار سخت است و این امر در زمان ظهور محقق خواهد شد. این مرتبه از ادراک و یافتن سبب می شود که خضوع هم در آن‌ها بیشتر باشد و قدرت عمل نیز بالاتر برود. اما امام باقر (علیه السلام) فرمودند: دین خدا آنقدر مظلوم می شود و در خون خود دست و پا می زند تا فردی از اهل بیت ما بیاید که در زمان او به حکمت و دانش می رسید به گونه ای که «حَتَّىٰ إِنَّ الْمَرْأَةَ لَتَقْضِي فِي بَيْتِهَا بِكِتَابِ اللَّهِ تَعَالَىٰ وَ سُنَّةِ رَسُولِ اللَّهِ»^۱ زنان در خانه خویش به کتاب خدا و سنت رسول الله (صلی الله علیه و آله) به داوری می پردازند. البته این‌ها همه با مقدمات محقق خواهد شد و یک دفعه نمی توان این مراتب را به دست آورد. همان گونه که فرج شخصی با مصائب، مشکلات و مسائلی همراه است، این مصائب و مشکلات در آن دوره عمومی نیز خواهد بود تا همه به درجه ای از آن معرفت دسترسی پیدا کنند.

۱. الغیبة نعمانی، ص ۲۳۹



بیست و نہم:

تجلے قرآن در قیامت

❖ تجلی حقیقت قرآن در قیامت

اگرچه در دوران ظهور مرتبه عالی از حقایق قرآن تجلی می کند، اما عالی ترین مرتبه تجلی قرآن در قیامت محقق می شود. به تعبیر مرحوم علامه طباطبایی (رضوان الله تعالی علیه) ظهور، رجعت و قیامت، مراتبی از یک حقیقت هستند و آن حقیقت ظهور و تجلی توحید است که در روایات از آن تعبیر به «یوم الله» شده است. دوران ظهور به عنوان دلانی برای تجلی اتم حقیقت در روز قیامت است و هنگامی که قرآن کریم در قیامت تجلی می کند، با وجود اینکه در دوره ظهور امام عصر (عجل الله تعالی فرجه)، تجلی نموده بوده، اما همه می بینند که قرآن هنوز بکر است. علت این مطلب آن است که قرآن کریم در دوران ظهور بر اساس استعدادهای بشر که به اوج خود رسیده، تجلی می کند؛ اما در روز قیامت از این هم فراتر خواهد رفت و تجلی آن بر اساس حقیقت الهی قرآن خواهد بود.

در آن روز، حتی زمانی که رسول خدا و اهل بیت (علیهم السلام) نیز ظهور اتم و اکمل خود را دارند، همه انسان ها مشاهده می کنند که حقیقت وجودی آن ها نیز تاکنون بکر و دست نایافته بوده است و همه آن ها مصداق این فرمایش زیبای امیرالمؤمنین (علیه السلام)

هستند که فرمود: «سیل رحمت الهی از دامنه من جاری است و هیچ موجودی را یارای بالا آمدن تا قله من نیست!»^۱

❖ مراتبی از تجلی قرآن بر انسان

باید به این نکته توجه داشت که هرکس به میزانی که آیات الهی در وجودش محقق شود و بسته به مرتبه‌ای از مراتب قرآن که با آن متحد می‌شود، به همان میزان و همان مرتبه با قرآن رابطه برقرار می‌کند و هرگز به حقیقت قرآن دست نمی‌یابد. از جمله کلمات نورانی امام باقر (علیه‌السلام) این است که فرمود: «إِنَّمَا يَعْرِفُ الْقُرْآنَ مَنْ خُوِّطَ بِهِ»^۲؛ شناخت حقیقت قرآن که همان تلبس به حقائق قرآنی است، به طور کمال و تمام، منحصر در کسانی است که مخاطبان اصلی قرآن هستند؛ زیرا این کتاب، یک کتاب معمولی نیست؛ بلکه خدای سبحان در این کتاب برای خلق تجلی کرده است: «لَقَدْ تَجَلَّى اللَّهُ لِعِبَادِهِ فِي كَلَامِهِ وَ لَكِنْ لَا يُبْصِرُونَ»^۳. خدای متعال از این حقیقت پرده بر می‌دارد که تأویل و حقیقت

۱. نهج البلاغه، خطبه ۳.

۲. الکافی، ج ۸، ص ۳۱۲.

۳. قوت القلوب، ابوظالب مکی، ج ۱، ص ۸۹.

قرآن کریم در روز قیامت تجلی و ظهور پیدا خواهد کرد: «هَلْ يَنْظُرُونَ إِلَّا تَأْوِيلَهُ يَوْمَ يَأْتِي تَأْوِيلَهُ»^۱.

البته توجه به این نکته ضروری است که این سخن به معنای ندیدن مراتب قرآن و اهل بیت (علیهم السلام) نیست؛ بلکه سخن در این است که کسی به گُنه حقیقت این دو نور مقدس تا روز قیامت دست نخواهد یافت و این تنها ظرف قیامت است که تحمل این تجلی و ظهور را دارد.



سی ام:

شفاعت قرآن

❖ **مقام شفاعت کبرای قرآن کریم**

قرآن کریم یکی از بزرگ‌ترین شفیعان روز قیامت است؛ بلکه به تعبیر رسول مکرم اسلام (صلی الله علیه و آله)، در روز قیامت هیچ شفיעی نزد خدا مقامش بالاتر از قرآن نیست؛ نه پیامبری و نه ملکی و نه غیر آن‌ها^۱. این مطلب، بیانگر مرتبه عظیم حیات این کتاب مقدس است که به خودی خود از چنین مقام و تأثیرگذاری نزد خدای متعال برخوردار است.

اما نکته اینجاست که قرآن کسی را شفاعت می‌کند که با او هم‌نشین و متحد شده است. یک آیه‌ای را که انسان می‌خواند و دستوری را که می‌بیند، اگر در وجود او شوق نسبت به عمل کردن به آن آیه پیدا شده باشد، با آن متحد شده است و به همین مقدار قرآن او را شفاعت می‌کند. لذا هر چقدر به این کتاب شریف، محبت داشته باشیم و این محبت ما را به عمل برساند، قرآن ما را شفاعت می‌کند.

۱. تفسیر المحيط الأعظم، ج ۱، ص ۳۷۵

❖ شاهد بودن قرآن بر اعمال ما

در زیارت جامعه کبیره خطاب به ذوات چهارده نور مقدس عرضه می‌داریم: «شما شاهدان در این عالم و شافعان در آخرت هستید.» شفیع کسی است که در دنیا شاهد است؛ پس اگر قرآن در آخرت شفاعت دارد، حتماً در این عالم شاهد بر اعمال ماست و لازمه حی بودن قرآن نیز همین است. بنابراین، هرچه در این دنیا نسبت به قرآن کریم ادب و محبت بیشتری اظهار کنیم، در آخرت از شفاعت عظیم‌تری برخوردار خواهیم شد. قرآن کریم در دنیا از شاهدان اعمال است و در آخرت از شافعان و اعظم شافعان است. هر ارتباطی با قرآن، مقامی از مقامات شفاعت قرآن را روزی انسان می‌کند.

امام صادق (علیه‌السلام) فرمودند: در روز قیامت، سه نوع دفتر وجود دارد. دفتری که نعمت‌ها در آن ثبت شده است؛ دفتری که حسنات در آن است و دفتری که سیئات در آن نوشته شده است. پس دفتر نعمت‌ها را با دفتر کارهای نیک برابر کنند. نعمت‌ها، همه کارهای نیک را فراگیرد و در خود فرو برد و دفتر کارهای زشت به جای ماند. پس مؤمن را برای حساب فرامی‌خوانند. در این هنگام قرآن در بهترین صورت، پیش روی او درمی‌آید و

گوید: پروردگارا! من قرآن هستم و این بنده مؤمن توست که خود را برای خواندن من به رنج می انداخت و شب خود را با آهنگ خوش آن سپری می کرد و دیدگان او در هنگام نماز شب، اشکریزان بود. چنانچه مرا خشنود ساختی، او را نیز خشنود فرما! پس خدای عزیز و جبار می فرماید: ای بنده من! دست خود را باز کن و خداوند دست راست او را از رضوان خود و دست چپ را از رحمت خویش سرشار سازد. سپس به او گفته شود: این بهشت برای تو مباح است؛ پس قرآن بخوان و در درجات آن بالا برو! پس هر گاه یک آیه بخواند، یک درجه بالا رود.^۱ این خواندن و بالا رفتن همان شفاعت قرآن است. و کسی که قرآن را راهنمای خود قرار دهد، در مسیر کسب درجات بهشت حرکت می کند و کسی که به قرآن پشت کند، به جنت الهی پشت کرده و در مسیر عذاب و آتش الهی حرکت می کند: «فَإِنَّهُ شَافِعٌ مُّشَفَّعٌ وَ مَا حِلٌّ مُّصَدَّقٌ وَ مَنْ جَعَلَهُ أَمَامَهُ قَادَهُ إِلَى الْجَنَّةِ وَ مَنْ جَعَلَهُ خَلْفَهُ سَاقَهُ إِلَى النَّارِ»^۲ پس شفاعت قرآن در قیامت، ناشی از عمل به قرآن و هدایت قرآن در دنیا است.

۱. الکافی، ج ۲، ص ۶۰۲.

۲ - الکافی، ج ۲، ص ۵۹۹.

کتابنامہ

- قرآن کریم
- نہج البلاغہ
- ابن ابی جمہور، محمد بن زین الدین، عوالی اللئالی العزیزۃ فی الأحادیث الدینیۃ، چاپ اول، قم: دار سید الشهداء للنشر، ۱۴۰۵ ق.
- ابن ابی زینب، محمد بن ابراہیم، الغیبۃ، چاپ اول، تہران: نشر صدوق، ۱۳۹۷ ق.
- ابن بابویہ، محمد بن علی، ثواب الأعمال و عقاب الأعمال، چاپ دوم، قم: دار الشریف الرضی للنشر، ۱۴۰۶ ق.
- ابن بابویہ، محمد بن علی، عیون أخبار الرضا علیہ السلام، جلد ۲، چاپ اول، تہران: نشر جهان، ۱۳۷۸ ق.
- ابن بابویہ، محمد بن علی، کمال الدین و تمام النعمہ، جلد ۲، چاپ دوم، تہران: اسلامیہ، ۱۳۹۵ ق.
- ابن بابویہ، محمد بن علی، من لا یحضرہ الفقیہ، جلد ۲، چاپ دوم، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابستہ بہ جامعہ مدرسین حوزہ علمیہ قم، ۱۴۱۳ ق.
- ابن حیون، نعمان بن محمد مغربی، دعائم الإسلام، جلد ۱، چاپ دوم، قم: مؤسسۃ آل البيت علیہم السلام، ۱۳۸۵ ق.
- آملی، سید حیدر، تفسیر المحيط الاعظم، چاپ سوم، تہران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت ارشاد اسلامی، ۱۴۲۲ ق.
- برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، ج ۱، چاپ اول، قم: دارالکتب الاسلامیہ، ۱۳۷۱.
- جعفر بن محمد علیہ السلام (امام ششم علیہ السلام)، چاپ اول، مصباح الشریعہ، بیروت: اعلمی، ۱۴۰۰ ق.
- صفار، محمد بن حسن، بصائر الدرجات فی فضائل آل محمد صلی اللہ علیہم، چاپ دوم، قم: مکتبۃ آیۃ اللہ المرعشی النجفی، ۱۴۰۴ ق.

کتابنامہ

- طبرسی، ابوعلی فض بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، جلد ۱، چاپ سوم، بیروت: داراحیاء التراث العربی، ۱۳۷۲.
- طوسی، محمد بن الحسن، الأمالی، چاپ اول، قم: دارالثقافة، ۱۴۱۴ ق.
- علم الہدی، علی بن حسین، أمالی، جلد ۲، چاپ اول، قاہرہ: دارالفکر العربی، ۱۹۹۸ م.
- عیاشی، محمد بن مسعود، تفسیر العیاشی، ۲ جلد، چاپ اول، تہران: المطبعة العلمية، ۱۳۸۰ ق.
- کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق، الکافی، جلد ۱، چاپ چہارم، تہران: دارالکتب الاسلامیہ، ۱۴۰۷ ق.
- کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق، الکافی، جلد ۲، چاپ چہارم، تہران: دارالکتب الاسلامیہ، ۱۴۰۷ ق.
- کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق، الکافی، جلد ۸، چاپ چہارم، تہران: دارالکتب الاسلامیہ، ۱۴۰۷ ق.
- کوفی، فرات بن ابراہیم، تفسیر فرات الکوفی، چاپ اول، تہران: مؤسسۃ الطبع و النشر فی وزارة الإرشاد الإسلامی، ۱۴۱۰ ق.
- مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، بحار الأنوار، جلد ۷۵، چاپ دوم، بیروت: دار إحياء التراث العربی، ۱۴۰۳ ق.
- مکی، ابوطالب محمد بن علی، قوت القلوب، جلد ۱، چاپ اول، بیروت: دارالکتب العلمية، ۱۴۱۷ ق.
- موسوی خمینی، سید روح اللہ، آداب الصلاہ، چاپ ہفتم، تہران: مؤسسہ تنظیم و نشر آثار امام خمینی (رہ)، ۱۳۷۸ ش.
- موسوی خمینی، سید روح اللہ، جلد ۱۶، چاپ پنجم، تہران: مؤسسہ تنظیم و نشر آثار امام خمینی (رہ)، ۱۳۸۹ ش.





اگر این باور در ما تقویت شود که قرآن حقیقتی زنده و با شعور است، با قرآن رابطه دو طرفه برقرار می‌کنیم، با قرآن رفیق می‌شویم و قرآن بهترین رفیق شفیق ما در پستی و بلندی‌های زندگی و در تنهایی‌ها و سختی‌های زندگی ما خواهد بود. در این صورت رابطه ما و هر یک از آیات قرآن، بر اساس پاسخ‌گویی یک موجود زنده به خواسته و نیاز ما خواهد شد. اساساً امکان ندارد که موجودی، زنده و حکیم باشد؛ اما در ارتباط با یک موجود زنده‌ی دیگر مطالبی بگوید که با نیازها و خواسته‌ها و گفته‌های فرد مقابل، بی‌ارتباط است. اگر این مطلب را پذیرفتیم، آنگاه گفتگو و مخاطبه با قرآن معنا پیدا خواهد کرد و خواهیم دید که قرآن مطابق نیازهای ما با ما به گفتگویی نشیند و به ما پاسخ می‌گوید.